

تذکرہ

زبدۃ الاکاہ ولیاۃ

شیریانی حضرت میان شیر محمد شرقپوری
نقشبندی مجلدی قدس سرہ العزیز

تألیف

محمد نذیر رانجھا

از انتشارات

شعبہ نشر و اشاعت پارالمبلغین حضرت میان صاحب
شرقپور شریف ضلع شیخوپورہ (پاکستان)

۸۶۶۵

۶۰۷۶

حق چاپ و عکس برداری ازین نسخه محفوظ است

نام کتاب :-

تذکرہ زبدۃ الاولیاء قدس سرہ العزیز

تألیف :-

محمد نذیر رانجھا

طبع اول :-

۱۹۹۵ء

۱۱۰۰ نسخہ

تعداد :-

چاپ گھنٹیہ :- آر زید - پیکچر - لاہور

۱- مکتبہ نور اسلام شرقپور شریف ضلع شیخوپورہ (پاکستان)

۲- جامع مسجد شیربانی - اکبر روڈ مدینہ چوک

وسن پورہ لاہور

۳- دفتر مابنامہ نور اسلام جامع مسجد قادریہ

شیربانی ۲۱- ایکٹر سکیم سمن آباد لاہور

فهرست

صفحه

- ۱۵ پیش گفتار از صاحب زانه میان جمیل احمد شرقپوری
۱۶ این ساعت بزور بازونیست از محمد ننیر رانجها

باب اول

- بر احوال خانوادگی حضرت میان صاحب
احوال حضرت صالح محمد صاحب
احوال حافظ محمد عمر صاحب
احوال مولوی غلام رسول صاحب
احوال میان محمد حسین صاحب
احوال میان عزیز الدین صاحب

باب بوم

| | | |
|----|-------------------------------------|-----------|
| ۱۷ | بر ولایت با ساعت حضرت میان صاحب | فصل اول |
| ۱۸ | بر کوکی حضرت میان شیر ربانی قنس سره | فصل بوم |
| ۱۹ | در آموزش و پرورش حضرت میان صاحب | فصل سوم |
| ۲۰ | بر عالم شباب حضرت میان صاحب | فصل چهارم |
| ۲۱ | بر بیعت مرشد تاعطائی خلافت | فصل پنجم |
| ۲۲ | بر مسافرت ہائی روحانی | فصل ششم |

باب سوم

| | | |
|----|-----------------------|---------|
| ۳۳ | بر اتباع سنت | فصل اول |
| ۳۴ | بر ارشاد و تبلیغ یعنی | فصل بوم |

باب چهارم

کشف و کرامات

45

باب پنجم

سفر ناربقا و جانشین

49

باب ششم

در تعمیر مساجد

فصل اول

51

در نشر و اشاعت بین و

فصل دوم

56

معارف اسلام بصورت کتب

باب هفتم

ایيات للگناز که حضرت شیر ربانی

قدس سره من خواند

63

باب هشتم

ملفوظات گرامی

۶۷

باب نهم

واریات قلبی

باب بیم

خلفائی عظام

ماخذ

بسم الله الرحمن الرحيم ○

پیش گفتار

وقتیکه خداوند سبحانه و تعالیٰ آدمی را از جنت بیرون گرد و درین
عالم فرستاد او از روی فضل عظیم خود یک ضابطه حیات بهم آدمی را اعطا
فرمود تا زندگانی خود را تامین کند و یک قرینه برای زیست خود را دار
سازد که برایه کامرانی و کاریابی زیستش ضامن باشد چنانکه ارشاد باری

یست

قلنا هبتو ا منها جمیعا فاما یا تینکم من هدی فمن تبع هد

ای فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون

سر طبق این ارشاد باری طائفه‌ی مقد من انبیاء عليهم الصلوۃ والسلام یکی
بعد دیگر مبعوث شدند تا بیان ربانی را به بندگان او رسانند این سلسله
انباء دراز کشید تا آنکه حبیب مکریا خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآلہ
وسلم تشریف اوردند آن والا جناب صلی الله علیه وسلم نبی آخرالزمان
ستند و دین اسلام را تکمیل دینه و خاتم پستند لذا بعد آن والا جناب صلی
الله علیه وآلہ وسلم فریضه دعوت و تبلیغ بعهده اولیائی کرام تفویض شد و
ابن نموں پاک از فریضه این منصب را نیک برآ وردند برای این طائفه در
قرآن پاک ارشاد خداوند یست

الا ان اولیاء الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون

این جا این نکته مهمی جالب توجه می باشد که اولیائی کرام را این
منظمت و مرتبت بچه وسیله وصول شد این نکته را قرآن حکیم واضح
فرموده است

قَلْ أَنْ كُنْتُمْ تَعْبُونَ اللَّهَ فَا تَبْعُونِي يَعْبِبُكُمُ اللَّهُ

مد وح ما حضرت میان شیر محمد شرقپوری این نکته مهمی را نیک فهمید و اتباع سنت را پیگر بود او نه تنها خردش اتباع سنت مطهره را لازم گرفت دیگران را بهم باین مراد تلقین فرمود این تلقین گایی بطريق جلال بود و گایی بطريق جمال - ولی تمنای دلی او بود که بهم مسلمانان به صمیم قلب پیروی سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم را بعهده خود گیرند خد اوند متعال انبیاء را معجزات عطا فرمود که تقاضای عصر را بسند و آمدند بهمچنان اولیارا کرامات عطا فرمود که حسب تقاضای زمان این بزرگان عالی مقام بود حضرت مدد وح شیر ربانی دریک عصر فلسفیانه وی مذهب و عقل پرست بد نیا آمد این را یک ولی کامل لازم بود که زنجیر فلسفه واستدلال بشکند و اهل جهان را بعثشم سرخود شان جهانی تماشا نماید که ورای منطق و استدلال باشد بعد نظاره این جهان بیچ تردد در بیچ قلب نهاند در بستی باری تعالی و مرتبه والا صاحب لولاک و واقعات روحانی مثل معراج و غیر آن-

خد اوند متعال بفضل خاص خود حضرت مدد وح شیر ربانی میان شیر محمد شرقپوری را برای مرتبه والا گزید که جان ولایت باشد او صاف یگانه اخلاق کریمانه کمالات و ایمانه بهم یکجا شده بودند کشف و کرامت و تصرف و القاباین مرتبه بود که بینند و راد بان باز بمانند و مردمان ارادت را بان درجه ایمان می رسانند که قرما این را والا بودند عصر جدید که عصر فلسفه و تکنولوژی بست و هر کس که از روشنی جدید گور شده پیش آن مدد وح آمد دریک لحظه بهم حجابات از پیش او گافور شدند و از بهم ذمائم نفسانی پاک شده مشتاق گشت برای نور اسلام-

درین عصر که عصر سائنس و تکنولوژی بست سوانح مبارک اولیای حق یک مناره ای نور میباشند این امر لازم را احساس کردند که نزاد نو رابه زندگانی حضرت مدد وح معرفی شود تا اذیان منطقی

و فلسفی جدید کمی اصلاح یا بند از روح اسلام آشنا شوند و مقام و مرتبه‌ی
شارع اسلام صلی اللہ علیه وآلہ وسلم را پشتا سند و دین مستقیم اسلام را ریببر
و رینمای خود ساخته در دین و دنیا کامرانی می‌جوینند. برای این مقصود
مجلدات متعددی به زبان اردو و پنجابی نوشته شده‌اند و انتشار یافته‌اند مثل خزینه
معرفت انقلاب الحقيقة تذکره اولیای نقشبند المعرف شیر ربانی آفتاب
ولایت ذکر معجوب خطبهات شیر ربانی و منبع انوار و غیر آن.

بنده را یک آرزوئی دیرینه بود که به زبان انگلیسی، فارسی و عربی بهم
چند کتب طبع شوند که فیوض و برکات این ولی کامل، جامع صفات
قطب الاقطاب و درویش عصر را بخوانند. گان این زبانهای خارجی معرفی شود
و آنان بهم از فیوض و برکات حضرت مستفیض شوند. لله الحمد که آقای
محمد نذیر رانجها این کتاب را به زبان فارسی نوشته تمدنی مرا عملی ساخته.
بد رگاه کار ساز دعا گوییم که از فضل عظیم خود مصنف را به نعمت ہائی
دنیا و آخرت و قلم اورا سعادت ہائی فراوان بخشد که برای اولیای دیگر بهم
چنین خدمت انجام دهد. آمين بحاجه سید المرسلین.

صاحبزاده میان جمیل احمد شرقپوری

اين سعادت بذور بازو نیست

نخستین کار علمی که در دست این فقیر آمد تصحیح "رساله ابدالیه" تصنیف لطیف سلطان المشائخ حضرت مولانا یعقوب چرخی قدس سرہ بود که از سوی مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان - اسلام آباد چاپ و نشر گردید. پس این بهانه ای بود برای مسافرت علمی و ادبی این ناچیز و فیض و برکت روحانی حضرت مولانا یعقوب چرخی که یکی از عارفان بزرگ و نامی سلسله عالیه نقشبندیه می باشد بعد ازین رحمت و فضل باری تعالیٰ بطوری یار و مددگار این ناچیز شد که ترجمه اردوی "رساله ابدالیه" و "رساله انسیه" (متن فارسی مع ترجمه اردو) و "رساله حورائیه" (متن فارسی مع ترجمه اردو) و "شرح اسماء الحسنی" (متن فارسی مع ترجمه اردو) بهم از تصنیفات حضرت مولانا یعقوب چرخی^۱ را این فقیر چاپ و نشر کرد، سپس "نامه گلشن" (فارسی) از شاه داعی الى الله شیرازی و تصحیح و تعلیق نمودم و بعداً کتاب "لمحات من نفحات القدس" (فارسی) از شیخ محمد عالم صدیقی علوی بکوشش و مقدمه این فقیر از جانب همون مرکز تحقیقات طبع گردید و "فهرست نسخه های خطی قرآن مجید در کتابخانه گنج بخش- مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان" که حقیر تالیف نموده است در سال (۱۹۹۳م) از هموی مرکز تحقیقات چاپ شده است.

بمراه این کارهای تحقیقی و علمی مقالات متعدد و گونا گون بزبان فارسی و اردو به مجله های مؤقر و معروف علمی و ادبی پاکستان و ایران نیز می نگاشته ام که مورد پسند اهل علم و دانش هردو گشوده شده اند. علاوه ازین تالیف و ترجمه چند کتاب دیگر نیز کرده ام که از آنها: (۱) "جلید فارسی گرامر" (اردو) یعنی "دستور نوین زبان فارسی" و (۲) ترجمه اردوی کتاب: "بعر العقيقة" از خواجه احمد غزالی قدس سرہ و ...

(۳) "کنزالعلم والعمل" (ترجمہ اردوی ۱۹۹۱ - حدیث نبوی) کے ہر سے از سوی عتیق پبلشنگ ہاؤس، لاپور طبع گردیدہ اند 〇 کتابیں دیگر بنام: "قدیم عدالتی زبان اردو" (بزبان اردو) تالیف نمودہ ام کے مغربی پاکستان اردو اکادمی لاپور آنرا چاپ گردہ است 〇

قریب بیست سال میشود کے بنہ از محبت و شفقت علمی و روحانی حضرت صاحبزادہ میان جمیل احمد شرقپوری صاحبہ مدظلہ العالی بھرہ مند می شوم واين سعادت ہرگز بزور بازو نصیب نگشته است بلکہ بخشش و عطا بیکران خداوند متعال می باشد۔ دو سال قبل حضرت صاحبزادہ صاحبہ مدظلہ العالی بھ این حقیر فرمان داد کے تذکرہ شیر ربانی قدم سره بزبان فارسی مرتب سازد فرمان ایشان موجب صد افتخار و سعادت سرمدی گردید برای این ناچیز، لذا "تذکرہ احوال و مقامات زینۃ الاولیاء شیر ربانی" حضرت میان شیر محمد نقشبندی مجددی شرقپوری قدم سره" تالیف نمودہ ام کے اکنون در خلمت القدس آن محترم و بزرگوار و عالی مرتبہ مدظلہ العالی تقدیم میشود بھ این التماس کے دعا فرمائیں کہ این "تذکرہ" ذریعہ سعادت دو جهان این حقیر گردد و خداوند بزرگ و برتر این گناہکار را بکرم عمیم خود بھ بخشید و در محشر زیر پای اولیاء عظام سلسلہ عالیہ نقشبندیہ جا نصیب فرماید۔

خاکپای اولیاء کرام

احقر محمد نذیر رانجھا غفر فنویہ و ستر عیوبہ

(۱) ذی العجم (۱۴۱۲ھ) بمطابق (۱۹۹۳ء)

مکان نمبر ۱۳۱۔ غازی آباد۔ کمال آباد

راولپنڈی۔ صدر

باب اول

دراحوال خانوادگی حضرت میاں صاحب

حضرت نیک بی بی بصر میاں شهاب الدین صاحب روایت من کند که از اجداد ماسه نفر از "دیپالپور" به "قصور" آمدند (۱) یکی از ایشان ازدواج نموده بودو دو تن هنوز ازدواج نکرده بودند در "قصور" بالای "قلعه نواح کوت" قیام نمودند. دانشمندان و عالمان بودند و خوشنویس قرآن کریم من نمودند و شاید همین ذریعه معاش داشتند از رسم و خانواده ایشان آگاهی نمست. گویا بسبب قحط از "دیپال پور" مراجعت نموده اینجا (قصور) وارد شده بودند. صاحبی که از ایشان اهل دار بود، پس به "دیپال پور" رفت و بقیه دونفر در "کوت پیران" "قصور" مقیم گشتند. ازا این دونفر صاحبی که در "کوت پیران" اقامت گزین شد، نمی دانیم که از ایشان جانشینی باقی ماند یا نه؟ ولی صاحبی که در "کوت پکه قصور" مقیم شده بود، بزرگی به اسم حضرت صالح محمد صاحب رحمته اللہ علیہ شهرت یافته که درسہ واسطه به شجره خانوادگی ایشان من رسید.

احوال حضرت صالح محمد صاحب

حضرت صالح محمد صاحب رحمته اللہ علیہ خوشنویس قرآن مجید من نمود. حضرت میاں صاحب رحمته اللہ علیہ من فرمود که اگر کسی از اجداد مامی پر سید که نام خانواده شما چیست؟ من فرمود: "ما خوشنویسیم!" میاں نورالحسن صاحب قصوري من گوید که از پدر بزرگوار خودشینیه بودم و پدر بزرگوارم از جد امجد خود میاں امام الدین صاحب روایت نموده که نوابی از آن روزگار کسی را پیش حضرت میاں صالح محمد رحمته اللہ

علیه فرستاد که ما گاوی را پرورده ایم و او بچه ای زانیده است.
 اکنون نمی گذارد که بچه اش شیر او بغورد و یا ما شیرش را بگیریم
 حضرت میان صالح محمد صاحب رحمته اللہ علیہ فرمود:
 "گاو را بگویند که شما اورا پرورده اید و خدمتی او نیز نموده اید"
 لذاب گذارد که شما شیرش بگیرید" - چون گاو را این فرمان دادند، شیر
 گرفتن گذاشت و مطیع گردید.

حوال حافظ محمد عمر صاحب

حضرت محمد عمر صاحب رحمته اللہ علیہ جد بزرگوار حضرت میان
 صاحب بود. علاوه از خوشنویسی در طب و پزشکی مهارت خاصه داشت.
 مردمی نهایت نیک بخت و صالح بود.

حوال مولوی غلام رسول صاحب

مولوی غلام رسول صاحب بزرگی عالی مرتبت در "قصور" می بود. خانه
 ایشان در "مکان کوت حاجی رانجهی خان" متصل "مسجد حاجی رانجهی
 خان صاحب" می بود. صاحب "خزینه معرفت" - صوفی محمد ابراهیم قصوی
 این خانه را زیارت کرده بود و من گوید که در این خانه زیرخانه ای بود که
 در آن مولوی غلام رسول صاحب رحمته اللہ علیہ چله کشی و مجاهده می
 فرمود. چون قعطی در قصور پیدید آمد به "حجره شاه مقیم" رفت و آنجا
 مقبولیت عامه نصیب ایشان گردید. چون "ویدیان" حمله بر "حجره شاه
 مقیم" نمودند و فتح یاب گردیدند، دو سیدزاده و مولوی غلام رسول صاحب

رحمت‌الله علیه را دستگیر کردند، هر سه نفر را محکوم به اعدام نمودند.
سید زادگان گفتند: این نفر (مولوی غلام رسول) مولاناست و قصوری ندارد.
چون "ویدیان" این حرفها شنیدند، مولوی غلام رسول صاحب را رها نمودند.
پس از این مولوی غلام رسول صاحب رحمت‌الله علیه از "حجره شاه مقیم" به
"شرقپور" مراجعت نمود و اینجا نیز مقبولیت عامه نصیب ایشان گردید.

احوال میان محمد حسین صاحب

جنبرگوار حضرت میان صاحب رحمت‌الله علیه، است و احوال ایشان
پیلا نیست.

احوال میان عزیزالدین صاحب

پدر بزرگوار حضرت میان صاحب، میان عزیزالدین صاحب بود، در شکل
و صورت کاملاً مشابهت به حضرت میان صاحب داشت. مردم نیک بخت
و پارسا و متشرع بود و در سلسله عالیه قادریه بیعت داشت و ذکر و شغل
در طریق قادریه من نمود در رهتک (مند) مستخدم بود و همین جا راهی
ملک عدم گشت.

باب دوم

فصل اول: در وحدت با سعادت

حضرت میان شیر ربانی قدس سرہ

خوشخبری: روایتی است که سنه ای قبل بزرگی از کابن آمده جد بزرگوار حضرت میان شیر ربانی قدس سرہ العزیز را خوشخبری و مژده ولادت با سعادت و تولد حضرت ممدوح داده بود و اسم مبارک حضرت صاحب نیز تعویز فرموده بود، چون حضرت مولانا غلام رسول قصبه شرقپور رامسکن خود ساخت، مثل خواجه ابوالحسن خرقانی رحمته اللہ علیہ که قبل از تولد و ولادت سلطان العارفین خواجه بایزید بسطامی رحمته اللہ علیہ چون در خرقان تشریف من برد، دم های طولانی من کشید و من فرمود: "بُویْ آمد دوست من آید" همینطور حضرت بابا امیرالدین قبل از ولادت حضرت میان صاحب چون در شرقپور تشریف من آورد، من فرمود: "خداوند مارا با کشف گفته است که درین بلاد پاک یک شیر خدا پیدا خواهد شد" چنانچه حضرت بابا امیرالدین رحمته اللہ علیہ در هر سال در شرقپور شریف تشریف من آورد و رونق دیار معیوب رامی افزود.

بشرات دیگر: من گویند مجذوبی نیز سالهای قبل از ولادت حضرت میان شیر ربانی در اطراف واکناف شرقپور شریف طواف من کرد و چون مردم از او وجه و سبب این طواف من پرسیدند او من گفت: "درین کوچه مردم از مقبولان درگاه پروردگار اعلیٰ پیدا خواهد شد. من از بوی مست کننده او روح را مسرور و دل و دماغم را معطر من سازم" -

روایت دیگر: "میان عبدالرشید صاحب" مقیم "چونیان" روایت من کند که "میان غلام محمد" گفت که "حضرت خواجه امیرالدین رحمته

الله عليه" بذریعه کشف آگاه شد و فرمود که در "شرقپور" شیر خداییں پیدا خواهد شد سپس از این کشف "حضرت خواجه صاحب موصوف" می فرمود که ما از بیست سال به "شرقپور" می رویم و در این جستجو می باشیم که آن طائر لاموتی را به دام خود بیاوریم و نسبت نقشبندیه باوپرسانیم قند مکرر: "کرم شاه صاحب" مقیم "بهوین کلان" منطقه حافظ آباد به صوفی محمد ابراهیم صاحب نامه ای نوشته و دران گفت که هشت سال قبل ما در "شرقپور" رفته‌یم کسی سالخورده را بیرون شرقپور دیدیم از اوپر سیلیم که این احوال (مرتبه) حضرت میان صاحب از کی می باشد؟ در پا سخ گفت: قبل از ولادت ایشان! پرسیدیم چطور؟ گفت: درویش (عارفی) اینجا آمده بود و اکثر و بیشتر در کوچه پدر بزرگوار حضرت میان صاحب من گشت او دم طولانی می کشید، گویا که بوی خوش می شنید از اوپر سید ندکه چرا اینطور می کنید؟ گفت که در این کوچه روحی می آید که او بنده مقبول درگاه خداوند کریم می باشد از این درویش پرسیدیم که در کدام خانه تولد خواهد شد، گفت در خانه میان عزیزالدین صاحب.

روزی حضرت میان شیر محمد صاحب المعروف شیر زبان به مؤلف خزینه معرفت (صوفی محمد ابراهیم قصوی) فرمود که - "چون در ایام طفولی بودم، جد بزرگوارم حضرت مولانا غلام رسول صاحب زبان خود را در دهانم داده بود". بقول صوفی محمد ابراهیم قصوی، جد بزرگوار حضرت میان صاحب بزرگی با برکت بود و همین طور حضرت شاه کمال گیته‌یی رحمته الله علیه زبان مبارک خود را در دهان حضرت مجلد الف ثانی قلم سره العزیز نهاده بود و ایشان آنرا مکیله بود و نسبت قادری به ایشان عطا فرموده بود

صاحب خزینه معرفت من نگارد: - چون نخستین یا دومین بار به شرقپور رفته بودم این خبری عام بود و بسیار کسان سالخورده می گفتند که

حضرت میان صاحب ولی مادرزاد استد از ایشان نام دو تن یادم هست' یکی:
میان امام الدین مونگا' خدای تعالیٰ امرزش کند' و دومی: حکیم امام الدین
صاحب' خدا رحمتش کند دیگر نیز از بزرگان بتواتر شنیدیم و این خبر
مصلق من باشد که حضرت میان صاحب ولی مادرزاد بود

بالآخر در سال ۱۲۸۲هـ آن گل نوشگفته ورشک بهاران و قرار مضطرب و
شکسته دلان به حکم خداوند قدوس درخانه حضرت میان عزیز الدین پیدا
شد پدر بزرگوار حضرت میان صاحب مردم باصفا و نیک و پارسا بود و
مردم این ناحیه به او خیلی احترام من گذاشتند.

چون تولد یافت حضرت مولانا غلام رسول که دران وقت زنده بود' حضرت
میان صاحب را در آغوش گرفت و محبت کرد و زبان مبارک خود در دهان
حضرت میان صاحب داد و حضرت میان صاحب آنرا محکید حضرت مولانا غلام
رسول حضرت میان صاحب را بایسینه من گرفت و باربارمی بوسید بفرمان
بزرگان خانواده و مطابق بشارت قبلی اسم مبارک حضرت میان شیر ربانی را
"شیر محمد" گذاشتند.

فصل دوهم: در کودکی

حضرت میان شیرربانی قدس سرہ

حضرت میان شیرربانی رحمته اللہ علیہ ولی مادرزاد بود و در کودکی از بازی کردن بیزار بود و خلوت را دوست می داشت و شیدا و شیفته اسم گرامی "الله" بود و این اسم رب العالمین را از هر چیز جهان زیاد تر می پستنید و عزیز تر می داشت.

حرفهای عارفه در کودکی: روایتی است که در پنج شش سالگی در قبرستان می رفت. چون والده ماجدہ می پرسید که کجا رفته بودی؟ حضرت صاحب می فرمود که برای ملاقات و زیارت بزرگان رفته بودم!

حالت مستانه: گاه بگاه در جوش عشق الہ اینطور دیوانه می شد که انگاره هارا در دهان خود می گذاشت و این هارا می خورد و گاه دیگرچه جوشیده را با دهان می گرفته و فرموده که این چیزها نیز خداوند هستند.

ذوق ذکر الہ: می گویند که چون در مسجد تشریف می برد در گوشه ای نشسته "الله" "الله" من کرد. چون در خطاطی معو می گشت' اسم اعظم "الله" و اسم مبارک "محمد" را قلمبند می فرمود و با دوستان نشسته و یکزان شده در ذکر الہ مشغول می شد.

روش عارفانه در کودکی: بگفته صاحب خزینه معرفت: حال ایشان در طفولگی مثل حضرت جنید بغدادی قدم سره بود که نه همراه طفلان بازی می نمود و نه همراه ایشان نشست و برخاست می داشت بلکه خلوت را می پستنید، چون در مکتب رفت، مزاج ایشان به کودکان مناسب نمی گرفت، درسی چهار سال قرآن مجید و دیگر کتب مروجہ مکتب را خواند و

در نگاشتن نیز مهارت حاصل نمود

قند مکرر: حکیم علی محمد صاحب، مقیم "بلوکی" از پدر بزرگوار خود؛ حکیم پیر بخش روایت می کند که: جد بزرگوار حضرت میان صاحب رحمتہ اللہ علیہ، مولانا غلام رسول صاحب، هرجزوی کے از قرآن مجید برای خواندن به حضرت میان صاحب می داد، بکثرت اشک، ورق آن در چند روز پوسیده می گشت و چون جد بزرگوار ایشان راجع به این می پرسید، علاوه از سکوت و گزیره جوابی نمی داد.

حیا: میان امام الدین صاحب زرگر مقیم "شرقپور" می گوید که "حضرت میان صاحب" در هنگام کودکی چون از کوچه می گذشت، روی سر و صورت خود نقاب می داشت و زن های کوچه می گفتند که: — "در کوچه ما دختری متولد شده که ببرو نقاب گرفته، راه می رود".

و جد در ذکر الہی: روایتی است که در کودکی بعد از نماز عشاء حضرت میان شیرازی قلب سره همراه محبا و دوستان بالای مسجد می رفت و بازوق و شوق تمام در ذکر الہی مشغول می گشت. و در حال ذکر در جنبه و جوش می آمد که وجود بر او طاری می شد و ناگاه از سقف مسجد بر

زمین می افتد. ○

وارفتگی عجیب: و گاهی در شب از شهر بیرون می رفت و در کنار خیابان نشسته در ذکر الہی معمومی شد. چون حالت ایشان متغیر می گشت و در بی قراری دوستی را با سینه می گرفت و از سینه مبارک حضرت صاحب صلای "اللہ هو" می شنیدند. "سبحان اللہ" - این حال در کودکی داشت.

فصل سوم: درآموزش و پژوهش

حضرت میاں شیرربانی قدس سرہ

آغاز آموزش از آیات قرآن گشت: چون حضرت میاں شیرربانی قدس سرہ العزیز قابن راه رفتن شد، از آیات قرآن مجید آغاز آموزش کرد کتاب ابتدائی (قاعده اول) را بزودی از برآمود زیر سپرستی والله بزرگواره و عم مکرم حضرت میاں حمید الدین قرآن مجید را ناظره ختم فرمود عم مکرم حضرت صاحب را در مدرسه کودکان برد و نام ایشان ثبت کرد.

آموزش کلاس پنجم و کتب عربی و فارسی مروجہ آن روزگار: می گویند حضرت صاحب در مدرسه خوش نبود چون وقت مدرسه تمام می شد، حضرت صاحب سوی مسجد رخ می نمود و در مسجد رسیله و سرخم کرده در گوشه می نشست. در مدرسه تا کلاس پنجم ابتدائی آموزش و پژوهش رسمی را اخذ نمود چون مشیت رب حکیم دیگر بود لذا از تعلیم مدرسه فارغ التحصیل شده در تعلیم کتب عربی و فارسی مروجہ و متداوله آن روزگار مشغول گشت و بکوششهای جد بزرگوار حضرت حافظ محمد حسین رحمته الله علیه و عم مکرم حضرت حمید الدین رحمته الله علیه در راه آموزش و پژوهش گام می زد و در روایتی است که از عم بزرگوار خود کلام مجید و چند کتب فارسی آموخته بود و سپس نصاب مروجہ از بزرگان دیگر مثل حکیم شیر علی که شاگرد رشید مولانا غلام رسول بود نیز درس می خواند.

بهره مندی از عرفان الهی: معروف است که چون حضرت میاں شیرربانی قدس سرہ سپیاره (جزی قرآن عظیم) می خواند، اشکها از چشم مبارکش روان می گشت و سپیاره از آب رسیدگی خسته می شد. چون جد بزرگوار سبب

اشک فشانی می پرسید، حضرت صاحب خاموشی اختیار می فرمود گویا
بزیان حال می گفت که خداوند کریم مرا عرفان خود نصیب فرموده است و
من در یاد الهی معنو و مستفرق گشته گریان می شوم ①

مهارت در فن خطاطی: حضرت مولانا شیرربانی قدم سره فن خطاطی را از
وراثت آباء و اجداد یافته بود لذا در خوشنویسی و خطاطی مهارت خاصه پیدا
کرده بود و در خط های گونه مشق می فرمود در بیاض ها آیات قرآن و
کلمات دیگر بالغصوص اسم اعظم "الله" (جل جلاله) و نام مبارک "

"محمد" (صلی الله علیه وسلم) را با خیالی قشنگی و زیبائی خطاطی می
فرمود گاتبان و خوشنویسان ماهر این هارا دینه انگشت بلندان می گشتند
در این فن نیز مقصود حضرت میان صاحب فقط حصول و وصول الى الله بود
زیرا که فقط حمد و ثنای باری تعالی و نعمت رسول مقبول صلی الله علیه
وسلم و اسمای نبوی را بانقض و نگار رقم و تحریر می فرمود و خط مبارک
حضرت صاحب مظہرہ محبت الهی و عشق رسول مقبول بود

فصل چهارم: در عالم شباب

حضرت میان شیرربانی قدس سرہ

حضرت شیرربانی محب صادق و عاشق حقیقی بود، در آغاز ورود به جهان
در عشق الهی مستفرق گشته بود و چون حرف من زد، کلامش از عشق الهی
مملو می بود و چون در مکتب من رفت، درستش یاد و ذکر الهی من بود
چون آغاز نگارش من نمود، دستش اسم الهی و نام گرامی "محمد مصطفی"
صلی الله علیه وآلہ وسلم رقم من فرمود و چون همراه دوستان من نشست
اسم "الله" جل جلاله از زبان بلند من کرد و در خلوت و جلوت در ذکر الهی

مشغول می بود جوانی و عالم شباب حضرت صاحب نیز نمونه عالی ذکر و
عبادت و یاد الهی می بود:

- قیاس کن ز گستان من بهار مرا

خلوت گزینی: چون حضرت شیربانی رحمته اللہ علیہ از کودکی به
حد جوانی وارد شد تاکنون نیز در قبرستان می رفت و در قبرهای شکسته و
خراب شده می خوابید و گیف و لنت روحانی زیاد محسوس می کرد و در
عالی آخرت مستفرق می گشت.

حالت سکر: حضرت میاں شیربانی در عشق الهی این طور فنا گشته بود
که چون صنای چرخی می شنید در وجود می آمد و حالت سکر بر ایشان
غلبه می کرد و درین حال بر هر کسی که نگاه می فرمود او نیز در وجود
می آمد.

عربی در وجود آمد: یک نفر عربی در مسجد حضرت شیربانی رحمته
الله علیہ آمد چون حضرت میاں صاحب را دید گفت: "این مجمنون است".
حضرت میاں صاحب که همواره سرشار از می توحید می بود چون نگاه
مخمور عرفانی سوی این عربی فرمود او در وجود آمد.

شفقت با خلق خدا: حضرت صاحب شبی به مادر بزرگواره خود فرمود
که مرا سرد است. مادر بزرگواره حضرت میاں صاحب رالعافی پوشانید.
بعد ازان فرمود: "مادر جان سرما تاکنون اذیتم می دهد". مادر بزرگواره فرمود
: "امروز شمارا چه است؟" فرمود که آیا مهمانی درخانه داریم؟ مادر بزرگواره
فرمود: "آری"! حضرت فرمود: "آن را رخت خواب وغیره داده اند؟" "چرانه؟"
مادر گفت حضرت صاحب فرمود: "همراه اش اسبی است؟" مادر گفت: "
آری" همراه او اسبی است که آن را بیرون بسته اند". حضرت صاحب فرمود:
مادر جان وقتی که آن اسب از سرما معفوظ شد سرمای من نیز کم می
شود". سبعان اللہ

یاری و کمک به مفلسان: حضرت صاحب چون کسی مفلس را من دید که احتیاج به جامه دارد، از خانه جامه من آورد و او را من داد و چون من دید که کسی گرسنه است، از خانه طعام من آورد و به او من خورانید.

تقوی کوشی: میگویند درویش بوبه نام فضل دین که در مسجد حضرت میان شیرربانی قدم سره اقامت داشت، مردی بود خیلی متقد و نیک، طعام از خانه مشتبه هر گز نمی خورد و بر کسانی که اعتماد کامل داشت که رزق ایشان حلال و طیب است، از ایشان آرد من گرفت و بست خود نان من پخت، حضرت میان صاحب نان خود به او من داد و نانی که او من پخت، آنرا تناول من فرمود.

دوست و مسکین پروری: حضرت میان شیرربانی قدم سره خیلی دوست پرور و مسکین نواز بود اکثر و بیشتر از بازار و دکان‌ها چیزهای خورش و نوش من آورد و دوستان و مسکینان که احتیاج مند من بودند را مجانی من داد و این کار خیر تاحد من گرد که مقروظ من گشتند.

بشارت غیبی: روزی پدر بزرگوار حضرت میان صاحب وقت سعری بر اسبی سوار شده به کاری خود تشریف من برد که کسی لگام اسب او گرفت و گفت: "پسری را که شما دیوانه خیال من گنید وبا او نا راحت من شوید، روزی مرد اقبال مند و صاحب مرتبه‌ای خواهد گشت و نام او خیلی شهرت خواهد یافت مگر شما آن را نخواهید دید."

پدر بزرگوار حضرت میان صاحب ازین بشارت غیبی از مستقبل و آینده روش و شاندار پرسش آگاه شد و بعد ازین همواره با حضرت میان صاحب خیلی مهریان من بود و وامهای (که حضرت میان صاحب برای کمک و یاری دوستان و مسکینان و احتیاج مندان من گرفت) حضرت میان صاحب را ادامی نمود.

قبولیت دعا: بگفته تذکره نگاران حضرت شیرربانو، قدم سره روزی در

هوای تابستان گرم بر سقف مسجد نشسته بود. ناگاه در حال سکر آمد و از سایه بلند شده در آفتاب رفتہ بر زمین دراز کشیده و از بان مبارکش من فرمود که باید ما از گرمای مولا کریم نیز لطف انداز بشویم. بعد ازان از گرمای آفتاب عرق از بدن مبارک حضرت صاحب چکیدن گرفت و حضرت صاحب ایستاده گشته نشست و نگاهش به آسمان کرده گفت: خداوندا اکنون باران بده و هوا را سرد بفرمای که برای تو مشکل نباشد! من گویند که همون وقت بر آسمان پاره‌ای ابر نمودار گشت و باران آمد. حضرت میان صاحب قدم سره از سقف مسجد پائین آمد و با دوستائش نشسته گریه من کرد و استغفار من خواند و من فرمود: "نمی‌دانم که خداوند باران دادن من خواست یا نه؟" چرا من خواهش این کردم؟" تا روزهای زیاد همین کلمات تاسف آمیز بر زبان مبارکش جاری من بود و به عجز و انکسار خود اشکها من ریخت.

شهسوار بلند مرتبه ای: حضرت میان شیرربانی قدس سره از آغاز عمرش خیلی دوستدار سوار شدن بر اسب من بود. اسبی تند و تیز و بدخو چون در رکاب حضرت من آمد و حضرت صاحب لگام او گرفته بر آن سوار من گشت. آن اسب مطیع و فرمانبردار حضرت صاحب من شد. من گویند که برخی مردمان حضرت میان صاحب را "ملک الموت" ایشان من گفتند.

باری مردم از ده دیگر بر موقع ازدواج عزیزی در شرقپور شریف آمدند و همراه ایشان اسبی بدخو بود چون آنان داستان نهای شاهسواری حضرت میان صاحب قدم سره شنیده بودند لذا برای آزمائش و امتحان حضرت صاحب اسب بدخوی خود را در حضور حضرت صاحب اوردند و گفتند که لطفاً" بر این اسب سوار بشوید. حضرت میان صاحب فوراً" بر اسب منکوره سوار گشت و اسبی که به بلغم زاجنی خود معروف بود و هرگز نمی‌گذاشت که کسی بزودی و به آسانی نبایشش سوار شود" افلا" دمی نکشید و از جای خود پائی نبرد اشت و مطیع و فرمانبردار حضرت صاحب گشت و حضرت صاحب هر

8651

جانبی که لئامش می کرد' آن طرف راه می رفت. چون مردم این گرامت حضرت صاحب دیدند' فوراً در عقیدتمندان حضرت صاحب شامل گشتند. اندازه اراده یا قوت: قاضی ضیاء الدین لاپوری روایت می کند که مولوی یار محمد مرحوم فرمود که باری حضرت میان صاحب بهموضع "چونیان" تشریف برند وقت برگشتن حضرت میان صاحب کسی اسبی برای سوار شدن حضرت میان صاحب اورد و آن اسبی بود بسیار تیز رفتار و زور اور ولی حضرت میان صاحب این را در خاطر نیاورد و چون اسب نزد حضرت میان صاحب آمد' حضرت میان صاحب برپشتش دست مالید و بر ان سوار گشت. اسب هیچ حرکتی ناشائسته نکرد و به آرام راه رفت. پس حضرت میان صاحب از "چونیان" جائی دیگر سفر کرد و گویا در حجره شاه مقیم تشریف برد.

فصل پنجم: در بیعت هر شد تاعطاً خلاصه

راه روان جاده عرفان و تصوف همواره می خواهند که هر نفسی ایشان در محبت و ذکر و عبادت الهی صرف گردد. لذا ایشان در عبادت و ریاضت معو می شوند و در رینمانی مرشدان کامل و مکمل این منازل و مراحل را با کمال صدق و صفاتی می کنند. ایشان می دانند که هیچ عبادت و ریاضت که خلاف سنت خیر الانام صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم باشد مقبول نمی گردد:

خلاف پیغمبر کسی را گزید که هر گز بمنزل نخواهد رسید
شجره طریقت حضرت شیرربانی قدس سره: حضرت میان شیرربانی قدس سره چون از علوم ظاهری کتب او آنقدر نصیب خود دارد' بردهست مبارک حضرت بابا امیرالذین نقشبندی رحمته اللہ علیہ اساکن

کوئلہ پنجو بیگ) بیعت نمود که یکی از بزرگان و عارفان سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه بود زنجیره و شجره طریقت حضرت میاں شیرربانی قرار زیر است:

حضرت میاں شیرربانی شیر محمد رحمتہ اللہ علیہ مرید حضرت خواجه امیرالدین قدس سره (م ۹ ذیقده ۱۲۲۱ھ کو ملہ چو بیگ بخش شنپوره) و ایشان مرید حضرت خواجه امام علی شاه قدس سره (م ۱۳ اشویل ۱۲۸۲ھ) و نیز ایشان استفاده از خواجه صادق علی شاه قدس سره فرزند و جانشین حضرت خواجه امام علی شاه قدس سره گرده بود و حضرت خواجه امام علی شاه قدس سره (که مزار ایشان در رتّ چهتر مکان شریف، نزد گورDas پور هند واقع است) مرید حضرت خواجه قاضی احمد دمائی قدس سره (م ۱۲۲۳ھ) که ساکن موضع قاضی گونه احمد، علاقه سند) و ایشان مرید حضرت خواجه محمد زمان قدس سره (م ۳ ذیقده ۱۲۸۸ھ، ساکن لواری شریف، بخش بدین، سند) و ایشان مرید حضرت خواجه شیخ محمد تنوی قدس سره (م ۹ ذوالحجہ که کمرہ) مرید حضرت محمد حنیف پارسا قدس سره (م کم صفر ۱۰۲۲ھ، بامیان از توابع کابل) و نیز از روحانیت حضرت خواجه زکی قدس سره (م ۱۳۲۳ھ، محل لاتنی) استفاده فرمود و حضرت خواجه محمد حنیف پارسا قدس سره مرید حضرت خواجه عبدالاحد قدس سره (م ۲۷ ذوالحجہ ۱۲۶۱ھ، سرحد شریف) که ایشان بیعت و مرید پدر بزرگوار خود حضرت خواجه محمد سعید (م ۲۸ جمادی الثانی ۱۰۷۰ھ، سرحد شریف) و سپس از عم بزرگوار خود حضرت خواجه محمد معصوم (م ۹ ربیع الاول ۱۰۷۹ھ، سرحد شریف) نیز استفاده روحانی فرموده است و خواجه محمد سعید قدس سره مرید حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی شیخ احمد فاروقی سرهنگی قدس سره (م ۲۸ صفر ۱۰۳۳ھ، سرحد شریف) و ایشان مرید حضرت خواجه محمد باقی بالله قدس سره (م ۲۵ جمادی الثانی ۱۰۷۰ھ، محل شریف) و ایشان مریضا، حضرت خواجه محمد انگنگی قدس سره (م ۲۲ شعبان ۱۰۰۸ھ، موضع ماکنه نزد بخارا) و ایشان مرید حضرت مولانا محمد درویش

قدم سره (م ٢٩ محرم ٩٠ هـ، استقرار مضائقات بوراء النهر) وايشان مرید حضرت مولانا زاهد ولی قدم سره (م کم ربيع الاول ٩٣٩ هـ، موضع دخش) وايشان مرید حضرت خواجه عبداللہ احرار قدم سره (م ٢٩ ربیع الاول ٨٩٥ هـ، سرتند) وايشان مرید حضرت مولانا یعقوب چرخى قدم سره (م ٥ صفر ٨٥١ هـ، حلقت) وايشان مرید حضرت خواجه علاء الدین عطار اقدس سره (م ٢٠ ربیع الاول ٨٠٢ هـ، موضع چغایان) وايشان مرید امام الطریقت و الشریعت بانی سلسله نقشبندیه حضرت خواجه بهاء الدین نقشبند قدم سره (م ٣ - ربیع الاول ٩٤٧ هـ، قصر عارفان، بخارا) وايشان مرید حضرت خواجه امیر کلال قدم سره (م ٨ جمادی الاول ٧٧٢ هـ، "سورخا" نزد بخارا) وايشان مرید حضرت خواجه رامیتنی قدم سره (م ١٠ جمادی الثاني ٧٥٥ هـ، موضع "سماں" نزد بخارا) وايشان مرید حضرت خواجه رامیتنی قدم سره (م ١٢ ذی القعده ٢٨١ هـ، خوارزم منطقه بخارا) وايشان مرید حضرت خواجه محمود انجیر مفتونی قدم سره (م ١٥ هـ، "انجیر نجد") وايشان مرید حضرت خواجه عارف ریوکری قدم سره (م کم شوال ٦٦ هـ، "ریوکر" نزد بخارا) وايشان مرید حضرت خواجه عبدالخالق غجدوانی قدم سره (م ٢٢ ربیع الاول ٥٧٥ هـ، نجد وان) وايشان مرید حضرت خواجه یوسف همدانی قدم سره (م ٢٧ ربیع ٥٣٥ هـ، مرو) وايشان مرید حضرت خواجه ابو على فارمدى قدم سره (م ٣ ربیع الاول ٧٣ هـ، طوس) وايشان مرید حضرت خواجه ابوالحسن خرقانی (م ١٠ محرم ٣٢٥ هـ، خرقان) وايشان مرید حضرت بايزيد بسطامی قدم سره (م ١٣ شعبان ٢٦١ هـ، سلام) وايشان مرید حضرت امام جعفر صادق قدم سره (١٥ ربیع ١٣٨ هـ، مدنه منوره) وايشان مرید حضرت امام قاسم بن محمد ابی بکر رضی اللہ تعالیٰ عنہ (م ١٣ جمادی الاول ١٤١ هـ، مدائن) وايشان مرید حضرت سلمان فارسی رضی اللہ تعالیٰ عنہ (م ١٠ ربیع ٢٢ هـ، مدائن) وايشان مرید صدیق اکبر حضرت ابوبکر صدیق رضی اللہ عنہ (م ٢٣ جمادی الثاني ١٣ هـ، مدنه منوره) وايشان مرید سید المرسلین و خاتم النبیین و رحمته للعالمین سیدنا و شفیعنا و سلیمانی فی الدارین حضرت محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم وصال مبارک (۱۲)

رئیس اول (اہمین منیره) -

در خدمت حضرت سعادت علی رحمته اللہ علیہ: حضرت میان شیرربانی در عبادت و ریاضت مشغول می بود و جستجو من کرد که بیعت مرشدی بعکند که کامل و مکمل باشد بزرگی از خانواده حضرت میان شیرربانی تعلق روحانی به "حجره شاه مقیم" داشت لذا در آغاز به "حجره شریف" در خدمت حضرت پیر سعادت علی سجاده نشین حجره شاه مقیم رفت. حضرت پیر سعادت علی چون دانست که حضرت میان صاحب برای بیعت نمودن با ایشان آمدہ است فرمود: مرشدی بلند مرتبه و کاملی را بجو که ما از دستگیری عاجز آمدہ ایم.

بیعت با حضرت بابا امیرالدین نقشبندی: در آن روزها حضرت بابا امیرالدین نقشبندی قدس سره اکثر و بیشتر از "کوٹله شریف" به "شرقپور شریف" نزد جد بزرگوار حضرت میان شیرربانی تشریف من آورد و درخانه ایشان که قریب مسجد شرقپور بود اقامت من فرمود ملتی در شرقپور شریف قیام من کرد و بعداً به خانه خود در کوٹله شریف برمن گشت.

حضرت بابا امیرالدین نقشبندی از عارفان بلند مرتبه و کامل مکمل سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه بود روزی با تصرف روحانی حضرت میان شیرربانی قدس سره را جانب خود گشید حضرت میان صاحب همون وقت بیعت ایشان کرد و در مریدان و عقیدت مندان ایشان شامل گشت. حضرت بابا امیرالدین توجه خصوصی روحانی بر حضرت میان صاحب نمود و تلقین ذکر و وظائف سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه فرمود. حضرت میان صاحب در حالت جذب و سکر آمد و بین خود شده گریبان چاک نموده در عالم بیقراری بر در مساجد من رفت و در ذکر الهی مشغول شده "الله، الله" من فرمود و در بیابان ها من رفت و در ذکر و فکر و عبادت الهی و ریاضتهاي شاقه من نمود و مدتهاي زیاد در عالم سکر بود.

طی منازل عرفانی : ہمواره خدمت پیر و مرشد می کرد و در سهای روحانی که از پیر و مرشد می گرفت، آنها را کاملاً در معمولات خود شامل می کرد لذا در وقت خیلی کم در ادای اشتغال سلسله نقشبندیه مجددیه کمال حاصل نمود لطایف مشش گانه ادا فرمود و منزل سلطان النکر طی نمود و مهارت خاصه در ذکر نصی و اثبات و طریقه یادداشت حاصل کرد و در اتباع سنت خیر الانام مستفرق شده منازل فنا فی الشیخ و فنا فی الرسول و فنا فی الله را طی نمود

چون پیر و مرشد حضرت میان شیر ربانی قدس سره را در معراج کمال دید حضرت میان صاحب را در حضور خود طلب فرمود و تعریر عطای خلافت به حضرت میان صاحب پیش نمود حضرت میان صاحب عرض کرد: "حضرت من برای خلافت مرید نگشته بودم بلکه مقصودم این بود که از فیض و برکت بیعت شما بنده معبود حقیقی بشوم". حضرت بابا امیرالدین نقشبندی معلم حضرت میان صاحب را شرف قبولیت بخشید.

کسب علوم ظاهري و نقلی از مرشد خود : حضرت بابا امیرالدین قدم سره اکثر و بیشتر در شرقپور تشریف می آورد و حضرت میان شیر ربانی قدم سره همواره شب و روز خدمت پیر و مرشد خود می کرد. باری حضرت امیر الدین به مرید صادق خود حضرت میان صاحب را فرمود که زیر سرپرستی من کتب سیر و سوانح انبیاء و عرفاء و طریقت و شریعت را مطالعه بکنید. لذا حضرت میان صاحب ارشاد مرشد و شیخ خود را تعیین کرد و این طور کسب علوم ظاهري و نقلی را نیز بلا واسطه از مرشد کامل و مکمل خود اخذ نمود

عطای خرقه خلافت : مرشد و شیخ مشفق و کامل بر حضرت میان شیر ربانی قدم سره خیلی لطف و شفقت و عنایت می فرمود چون "خلافت نامه" تعریر فرموده به حضرت میان صاحب خرقه خلافت پوشانیدن

میخواست' حضرت میان صاحب خاموش من ماند یا معذرت من کرد روزی
بر موقع مناسب به خدمت مرشد خود التماس نیز کرده بود که مخدوماً من
خودم را لائق و سزاوار این مرتبه نصی فانم و معذرت من خواهم-

دو و نیم سال همین طور گذشتند روزی حضرت بابا امیر الدین حضرت
میان صاحب را طلب کرده فرمود: "اگر مرا مرشد خود خیال من کنید'
گفته من را قبول کنید و مزید پس و پیش نکیند اکنون وقت من قریب
است و نوبت کار شمامی آید لذا هر جایی که من گویم آنجا بروید و خدمت
مردم و خلقت خدا بکنید در همین فلاح شماست و یقین بکنید که ازین
فریضه و کار هیچ چیز افضل تر نباشد هر چه دارید در تقصیم آن بخواه
و هر چه ندارید از خالق و پروردگار امید داشته باشید که شمارا حتماً" من
نهاد هر چه طلب من کنید نصیب خود رامی یا بید و اکنون جای فرار برای
شما نیست".

سپس حضرت بابا امیر الدین نقشبندی قدس سره بسته مبارک خود
خرقه خلافت به حضرت میان شیرربانی قدس سره را پوشانید و دستار روی سر
مبارک البیشان بسته حضرت میان صاحب سند خلافت و دستار و خلعت
خلافت را بسر و چشم فرسوده و در بارگاه خداوند سجده شکر بجا آورد.
بنای خانقاہ نقشبندیه در شرقپور شریف: بعد از عطای خرقه خلافت
حضرت بابا امیر الدین نقشبندی قدس سره حضرت میان شیرربانی قدس سره را
فرمود که در شرقپور بروید و مردم را در راه حق رهنماei بفر مائید لذا
حضرت میان صاحب از خانقاہ پیر و مرشد به شرقپور شریف تشریف آورد و بر
مسند ولایت متمكن گشت و در شرقپور شریف بنیاد خانقاہی از سلمانه
عالیه نقشبندیه مجده نهاد و در رهبری و رهنماei طالبان حق مشغول شد
در مدتی کم و قلیل شهره این خانقاہ در همه منطقه و کشور معروف گشت
و مردم از راه های دور شبے قاره پاک و هند به جانب این خانقاہ من دویند و

این سلسله تاکنون چاری است

افتخار مرشد: حضرت بابا امیرالدین قدس سرہ مرشد حضرت میان شیرربانی قدس سرہ من فرمود که اگر خداوند از من پر سید که از دنیا چه اورده اید؟ من "شیر محمد" (حضرت میان شیرربانی) را در حضور خداوند پیش خواهم گرد "سبحان الله".

فصل ششم: در مسافرت های روحانی

حضرت میان شیرربانی قدس سرہ همواره در شرقپور شریف من بود زیرا که مردم از راه های دور و دراز به شرقپور شریف من آمدند و معروف شده بود که خانقاہ نقشبندیه مجددیه شرقپور شریف از وجود مسعود حضرت میان شیرربانی رحمته الله علیه نشان و وسیله مشکل کشایی و غمگشایی خلق خدا من باشد لذا حضرت میان صاحب خیلی کم به مسافرت من رفتند مردم نمی گذاشتند که حضرت صاحب از شرقپور شریف بیرون برود و حضرت میان شیرربانی قدس سرہ نیز با معمولات خویش خیلی علاقه مند بود و همیشه در عبادت الهی مستفرق و در تبلیغ و آموزش طالبان حق و مریدان و عقیلین تمندان خویش مشغول من بود.

بازم با پابندی خاصه در "قصور" من رفت و سفر لاهور برای زیارت درگاه حضرت شیخ ابوالحسن علی هجویری معروف به "داتا شیخ بخش" رحمته الله علیه و مسافرت به پیشاور برای زیارت مقبره حضرت شاه محمد غوث قادری معمول ایشان گشته بود و با آغا شاه مسکندر قادری نیز ملاقات گرد با حضرت خواجه محمد بلقی بالله قدس سرہ و حضرت مجدد الف ثانی شیخ احمد فاروقی سر هندی قدس سرہ عقیدت و محبت خاصه داشت لذا بارها به مسافرت های دهلی و سر هند شریف (هند) تشریف من بود سفر های روحانی

پانی پت (هند) برای زیارت درگاه غوث علی شاه پانی پتی کرده بود و مسافت روحانی کرنال (هند) نیز فرمود در مولتان برای زیارت درگاه حضرت خواجه بهاء الحق والدین زکریا مولتانی تشریف می برد و مسافت به بربیلی (هند) با ملاقات کردن با اعلیٰ حضرت شاه احمد رضا خان بربیلی رحمتہ اللہ علیہ نیز کرده بود برای زیارت مزار حضرت قاضی احمد دماشی قدس سرہ در موضع قاضی چونه احمد منطقه سند تشریف برده بود و در قصبه بیر بن شریف (بغض سرگودها) و قصبه لله شریف (بغض جهم) نیز رفته است دو بار مسافت گلوزه شریف (بغض راولپنڈی) کرده بودو با حضرت پیر محمد علی شاه ملاقات روحانی فرموده بود.

در خانه های مریدان و اراد تمندان قیام کردن هر گز پسند نمی فرمود ارادتمندانی خیلی کم را شرف مهمان نوازی حضرت میاں شیر محمد ربانی قدس سرہ نصیب گردیده است.

باب سوم:

فیضان مبارک

فصل اول در اتباع سنت

حضرت میان شیرربانی قدس سره پیکر اتباع سنت بود در هر قول و فعل پاسداری سنت رسول مقبول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم میں کرد اگر کسی عملی خلاف سنت میں نمود و حضرت میان صاحب آن را میں بید اظہار ناراحتی و ناچگواری زیاد می فرمود در هر کاری و فعلی می خواست کہ سنت خیرالانام صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم جاری و ساری باشد در نماز صفحه ار بمطابق سنت با دست مبارکش درست و راست می فرمود در عبادت و ریاضت و حکفتار و کردار و آداب و معاشرت و نشست و برخاست و وضع و قطع خویش همواره سنت رسول اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را دوست می داشت غرضی کے در هر لمحہ زندگانی خود تفسیر عملی آیہ کریمہ: "اطیعو اللہ واطیعوا الرسول" می بوند

چون کسی عملی خلاف سنت می کرد حضرت میان صاحب آنرا بینظر حقارت می نگریست و عزت و احترام او هرگز نمی کرد و اکثر و بیشتر می فرمود کہ اگر مسلمان عمل خلاف سنت و غیر مشروع را بیندازد باید مثل گرگ گرسنه کے بر بز حمله اور می شود بر مخالف پیغمبر اکرم و تارک سنت بہ افتد

حضرت میان شیرربانی قدس سره در زندگانی مبارکش روح و معنویت اتباع سنت را تازہ نمود هر کسی کے در خدمت ایشان حاضر می گشت او را تاکید می فرمود کہ در اتباع سنت رحمت دو عالم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کو شان باشد کے کامرانی دو جهاد در پیروی سنت می باشد حضرت

میان صاحب[ّ] محب و عاشق صادق آنحضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بود اکثر در حال سکر می فرمود که ما از رسول اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آگاه هستیم و چون در حال صعومس آمد[ّ] می فرمود : "بعد از خدا بزرگ توشی قصه مختصررا".

شادروان (مولوی) میان سر محمد شفیع برادر خاله زاد حضرت میان شیر ربانی قدس سره بود باری حضرت میان صاحب پیش خاله خود به لاپور تشریف برد و به خاله خود فرمود : "خاله جان چه پسری مخفیت زائیده اید که نه ریش دارد و نه سبیل ! اگر امروز او ریش می داشت' چون در کونسل (کمیته) انگلیسیه می نشست' چقدر قشنگ می بود و از شکر و صورتش چه رعب و دنبیه اسلام بر دل انگلیسیها نقش می گشت و انگلیسیها می دانستند که مسلمان اینقدر بارعب و باوقار می باشند' مگر تاسف می خورم که او (میان محمد شفیع) عیسائی (نصرانی) گشته است (یعنی شکر و صورتش مثل مسلمانان ندارد)".

حضرت میان صاحب[ّ] باری به سر محمد شفیع فرمود : "دلم نمی خواهد که اسم شما بربان رانم اسم شما چقدر قشنگ است" رعایت اسم شما بگنید و بسگالید و بفهمید که صورت پدر شما چقدر عالی بود امروز شما آن طور شکر و صورت هارا دوست ندارید در حقیقت این هم خطای همون بزرگان هست که شمارا در ولایت (لنلن) فرستاده اند اگر ایشان شمارا آنجا نمی فرستادند' شکر و صورت شما هر گز مسخ نمی شد".

روزی افسری از اداره قطار (ریلوے سپریشنٹ) در خدمت حضرت میان شیر ربانی قدس سره آمد که ریش و سبیل تراشیده و بر سر کلاه اداری و محکمانه داشتند حضرت میان صاحب[ّ] از او پرسید که شمارا چقدر حقوق (تنخواه) می دهند؟ گفت : "هزاریا یازده صد روپیه !" حضرت میان صاحب[ّ] لطمه ای زور دار طوری بر رخسارش زد که کلاه اش دور افتاد و سپس فرمود

که آیا این هزار روپیه شمارا از "منکر و نکیر" محفوظ خواهد داشت و "پلصراط" را بوسیله همین عبور خواهی کرد؟ و آیا وقت حساب و کتاب در معاشر رشوه داده در جنت خواهی رفت؟ آیا مسلمانی همین است؟ بهم فرزندان انگلیسیها اند و در انگلستان فرزندان بدون پدر همین طور می باشند.

اہل دنیا کافران مطلق اند

روز و شب در بق بق و در رق رق اند

اہل دنیا چه کهین و چه مهین

لعنت اللہ علیہم اجمعین

اہل دنیا چون سک دیوانه اند

دور شو زیشان که بس بیگانه اند

باز فرمود: "آقا پاسداری قانون خداوند چیزیست آنرا کسی ادامی کند که خالق و مالک خویش را احترام بگذارد". - این افسره از بیان مبارک و تنبیه حضرت میان صاحب خیلی متاثر گردید و در آینده حالت خود را درست نمود.

فصل دوم: در ارشاد و تبلیغ دین: اکثر عالمان در خدمت حضرت میان شیرزبانی قلم سره حاضر می گشتند. حضرت صاحب از ایشان می پرسید اکنون حال پاسداری شریعت چه طور است؟ برخی می گفتند اکنون حال پاسداری شرع خیلی خوب است! مردم نماز هامی خوانند و روزه هامی گیرند. حضرت میان صاحب می فرمود که وضع حقوق مردم چطور است؟ پدر دشمن پسر و زن دشمن خاوند و همسایه دشمن همسایه می باشد! آیا همین پاسداری شرع است؟ چشمهاي مردم عالمان وازمی شد و ایشان در هوش می آمدند و می گفتند: آری' حضرت صاحب' مردم شرع و قرآن عظیم را پس پشت گذاشته اند. باز حضرت میان صاحب می پرسید: "آیا بیست سال قبل ازین' حالت مردم همین بود؟" عرض می نمودند: "نه' حضرت صاحب' قبل ازین در

مردم محبت و خلوص و همایوی بوده که الان اصلاً" مفقود است. حضرت میان صاحب من فرمود که این همه اثر انگلیسیهاست (یعنی اثر حکمرانی و ثقافت نصاری بر مسلمانان من باشد)

روش پند و اندرز : روزی حضرت میان شیربانی قدم سره در "حجره شریف" تشریف برد این ده پیر خانه بزرگان حضرت میان صاحب بود دید که سجاده نشین خانقاہ حجره شریف ریش تراشیده دارد و اهتمام اوقات نماز نیز ندارد و برای شکار و صید تفنگ و سگ وغیره داشته باشد. حضرت میان صاحب به او فرمود: این چه طرزی است که شما اختیار نموده اید؟ آیا آبا و اجداد شما اینطور من کردند؟ یا این سنت رسول مقبول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم و طریقه حضرت علی رضی اللہ تعالیٰ عنہ من باشد.

جناب سجاده نشین چون این حرفهای حضرت میان صاحب شنید، خیلی شرمنده گشت و زار و قطار گریستن آغاز کرد و گفت "من همه خلاف روش بزرگان خود کرده ام، الان توبه من کنم و در آینده اینطور کار هانم کنم و برداشت شما توبه من کنم".

طرز اصلاح احوال مردم : چون حضرت میان شیر ربانی قدم سره کسی را می دید که در او عیبی سنت او را بلا تردد مطلع من فرمود، حاکم بود یا محکوم و مسکین بود یا مالدار و مسافر بود یا هم شهری و رشته دار بود یا غیری، او را بهر طوری از عیبیش آشاه من ساخته. مردم حرفهای حضرت میان صاحب را برضاء و رغبت من شنیدند چراکه من دانستند که کسی که با ایشان نصیحت من فرمود او حضرت میان شیر ربانی من بود که خودش نمونه کامل اتباع سنت مصطفی علیه الصلوٰۃ والسلام پیش من نمود.

علامه اقبال لاهوری در حضور حضرت شیر ربانی قدس سره: روایتی سنت که باری علامه اقبال لاهوری (شاعر مشرق و مفکر اسلام جهانی) برای زیارت حضرت میان صاحب به شرقپور شریف آمد و بود حضرت میان

صاحب قدس سرہ چون علامه اقبال را دید، فرمود که اقبال گاه بگاه من آید (یعنی هر روز نمی آید) و بعده "فرمود که حجام را بیارید که من ریش خود را بتراشم. این انداز و روش تبلیغ حضرت میان صاحب بود که اقبال را احسان من داد که شما سنت مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وسلم یعنی ریش ندارید. علامه اقبال اشاره حضرت میان صاحب را فهمید و درک کرد و گفت که حضرت باید از گناه نفرت کرد نه که از گناهگار! ولی چون اقبال حرفهای حکمت آمیز حضرت میان صاحب را شنیده همون وقت در چشمچش اشکها روان گشت.

حضرت میان صاحب شفقت و معیبت زیاد به اقبال فرمود و توجه او را به سوی امور شرعی نمود. میگویند که علامه اقبال تاملتی زیاد نشسته گریان بوده و تاسف من خورده که او در آخر عمرش زیارت حضرت میان صاحب نموده است. روایتی است که علامه اقبال در مدح حضرت میان صاحب قطعه گفت و در حضور حضرت صاحب آن را خواند. ولی حضرت میان صاحب حسب معمول از کسر نفس خود آن قطعه (که درستاش ایشان بود) را نه پستلید و سپس اقبال نیز آنرا از ذهنش فراموش کرد.

ابر شفقت حضرت میان صاحب: ابر شفقت حضرت میان شیرربانی مش باران من بارید و در حضور حضرت میان صاحب فقط مسلمانان نمی آمدند بلکه مردم غیر مسلم نیز برای زیارت ایشان حاضر من گشتند. حضرت میان صاحب با هر کس رفتار خوب و مساوی من کرد و در خانقاہ ایشان همه کسان عزت و حرمت من یافتند.

باری شخصی که مذهبیاً سیک (سیک) بوده در خانقاہ حضرت میان صاحب حاضر گشت. گویا مردمان زیاد در خدمت حضرت صاحب موجود بودند. لذا این سیک (سیک) در گوشه‌ای خاموش گشته نشست. مدتی سرش را خم کرده نشسته و سپس بلند شده و قریب حضرت میان صاحب آمد.

و اجازه رفتن طلبیده گفت: "حضرت صاحب' خداوند شما را اجر بند'
کاری که از سالها درست نمی شد' اکنون در حضور شما درست شده است"
گویا او را نویت به عرض گزاری نیز نشد ولی دلش قرار یافت. "سبحان
الله".

سیکه مسلمان گشت: باری حضرت میان شیرربانی قلس سره در
سرهند شریف (هند) برای زیارت مزار مقدس حضرت مجده الف ثانی امام ربانی
شیخ احمد فاروقی سرهندی قلس سره من رفت. در راه بريیک ایستگاه قطار
حضرت صاحب' پیاده گشت که برای وضو آب بگیرد چون آب وضو گرفته
حضرت میان صاحب' برگشت جوانی خوش وضع و صورت را در لباس ارتضی
ملبوم در اطاق قطار ایستاده دید. حضرت میان صاحب' نگاه خاص به سوی این
جوان فرموده به او خطاب نمود: "ای جوان آیا صورت شما مثل مسلمانان من
باشد؟" جوانی که سیکه (سیک) بود، اصلاً توجه به جانب حضرت صاحب
نکرد و با تندی و ترشوئی گفت: "برو، ای بزرگ' کار خود بکن" گویا
نمی دانست که حضرت میان صاحب' داشت کار خود را انجام من داد. قطار
بوق زد و به راه رفت.

نگاه همون جوان که سیکه بود، دویشه در اطاق قطاری حضرت میان
صاحب' وارد گشت و بر قدم مبارک ایشان افتاده، عرض گزارشد: "حضرت
مرا مسلمان بسازید!" حضرت میان صاحب' با کمال معبت و شفقت او را به
سینه خویش گرفت و فوراً مسلمانش کرد.

انداز ارشاد و تبلیغ: روش و طرز ارشاد و تبلیغ حضرت میان شیرربانی
خیلی عمله و دلنشین و عالی بود و طرز گفتار ایشان شیرین و دلکش بود.
ایشان خیلی نرم و سهل و ساده بصورت کلمات مسجع حرف من زد سلامت و
بلاغت حرفهای ایشان درحال خشمگینی نیز برقرار من بود. انداز گفتار
اینقدر دلنشین بود که تاثیرش در ریشه و ریشه شنوونده باختر من گردید.

واقعات بیشمار سلف صالحین به حضرت صاحب^ر را از بر بود و از آنها به مردم مثال می‌آورد و تلقین و هدایت می‌نمود چون مردم واقعات پرتائیر و فکر انگلیز صالحان و عارفان از زبان مبارک حضرت میان صاحب می‌شنیدند گریان می‌شدند و خود حضرت میان صاحب نیز همراه مردم شنونده گریان می‌شدند.

حضرت میان شیرربانی قدس سره مردم را می‌فرمود: سیکهان (سیکان) را به بینید که بر تعلیمات گروه خود چقدر عمل می‌کنند نمی‌دانیم که ما مسلمانان چرا گرویده پیروی انگلیسیها شده‌ایم؟ ریش سیکهان (سیکان) را از مشاغل زندگانی و آموزش و کاروبار دنیا و استغدام دولت هرگز مانع نمی‌شود و بر ایشان هیچ کس اعتراض نیز نمی‌کند و آنان از هیچ کس نمی‌ترسند ولی ما مسلمانان خواه موهای سر نداشته باشیم، ریش مان را حتماً می‌تراشیم. آیا ما انگلیسیها را آگاه می‌سازیم که ما از دین اسلام تعلق خاصه نداریم؟

حضرت میان شیرربانی قدس سره اکثر و بیشتر از مردم می‌پرسید که چند سال انگلیس را خوانده‌اید؟ "پاسخ می‌گفتند که دو سال و سه سال و پنج سال وغیره حضرت میان صاحب^ر می‌فرمود که معنی "بسم الله" را بگویید مردمان زیاد جواب نمی‌دادند. این روزگار بود که آفتاب حکمرانی و اقبال انگلیسیها برهمه جهان می‌تابید. حضرت میان صاحب کارمند تنظیم سیاسی و معاشرتی نبود و نه تعلق به تنظیمی داشت که علیه دولت انگلیس بود ولی بلاغوف علیه فرنگی و انگلیسیها حرف می‌زد و تهذیب آنان را مخالف اسلام می‌دانست. لذا مردم سعرو طلس خورده جاه و جلال دولت انگلیس را از قید و غلامی آنان آزاد می‌ساخت و مردمان را حوصله می‌داد که سر را بلند کرده زنده بمانندو از غلامی دولت و تهذیب انگلیسیها رها بشوند و در غلامی سرور گائنتات و فخر موجودات حضرت محمد صلی

الله علیه وسلم در آیت‌که همین ذریعه نجات و فلاح دو جهان می‌باشد
برخی مردم برای آزمودن پیش حضرت میان شیرربانی قدم سره می‌آمدند و
چون صورت و سیرت ایشان را ملاحظه می‌کردند در عقیدتمندان حضرت
صاحب شامل گشتند شب و روز حضرت میان صاحب مش
کتابی روش بود که مردم آنرا خوانده می‌داشتند می‌یافتد هر که ساعتی یا
وقتی زیاد در حضور ایشان می‌نشست هر چند مخالف ایشان می‌بود نمونه
زندگانی ایشان را دیده در عقیدتمندان ایشان شامل گشتند معرف درجات بلند
و عالی ایشان می‌شدند.

احترام مردم: روزی یکی از مالداران ذکر خاک نشینی و عبادت گزاری
حضرت میان شیرربانی قدم سره راشنیده در خانقاہ ایشان حاضر شد وقت
طعام خوردن بود حضرت میان صاحب از او پرسید: "هراه شما کسی است؟"
گفت: "آری نوکرم در پائین نشسته است". - گویا حقارت برای نوکرش
که داشت از روش گفتارش عیان بود لذا حضرت میان صاحب این مالداری را
به طرز عامیانه طعام داد و خودش پائین رفتند.

حضرت میان صاحب پائین رفته نوکر آن شخص مالدار را باخود بالا آورد و
پیش همه مردم او را بطور خاص و باعزت و احترام نزد خویش نشانید و سپس
او را در طعام خوردن باخود شریک نمود چون از طعام خوردن فارغ گشت
فرمود: "چه ستم است که مردم متاع قلیل جهان (یعنی مال و دولت) را ذریعه
عزت و حرمت خیال می‌کنند و این برای آخرت عذاب است" هر چه مال کم
خواهد بود حساب (معشر) آسان خواهد شد".

شفقت با مردگان: باری در شرقپور شریف ویای طاعون پیدا شد شخصی
از مرض طاعون هلاک گشت مردم نزد میت اونمی رفته بیخ کس برای
کفن و دفن این مرد آماده نمی‌شد چون حضرت میان شیرربانی قدم سره ازین
چیز آگاه گشت میان محمد دین که یکی از عقیدتمندان حضرت صاحب

بود، او را همراه خود گرفته و در خانه آن شخصی مرده تشریف برد و مرده را
بخدمت خود غسل داد میان محمد دین آب برپن مرده من ریخت و حضرت
صاحب او را من شست و عزیزان و رشته داران آن مرده دور ایستاده نظاره من
کردند.

حضرت میان شیربانی قدم سره میت را غسل داده کفن پوشانید و بر
پیشانی مرده بوسه داد و با مردم خطاب فرمود: "الآن بیایید" - مردم پیش آمدند و
جنازه را بر برداشتند چون در گورستان رسیدند حضرت میان صاحب میت
را بخدمت خود در گور گذاشت و دفن نمود سبحان الله

جنبه محبت عارفانه: چون انسان در محبت حق مستفرق من گردد او
به همه کسان محبت من ورزد گفته صاحب خزینه معرفت - چون حاجی
جلال الدین صاحب ذیلدار مقیم موضع "جوزا" که مسلکاً اهل حدیث بود
از حج بیت الله پس آمد و کیفیت های سفر مدنیه منوره و در حین زیارت
روضه مقدمه نبی کریم صلی الله علیه وسلم که درک گرده بود طوری
بیان نمود که کس نسبت دار از کاملان نقل من نماید. بر این موقع حضرت
میان صاحب نیز در قصور تشریف اورد و بود مؤلف خزینه معرفت من گوید
که بنده واقعه جلال الدین صاحب موصوف در خدمت حضرت میان صاحب
شرح دادم فرمود: "باید در موضع "جوزا" برویم! چنانچه صبح در موضع جوزا
رسیدم و حضرت میان صاحب با حاجی جلال الدین صاحب ملاقات نمود و از
ایشان کیفیت های مدنیه منوره شنید و در حین شنیدن حالات مدنیه منوره بر
طبع عالی حضرت میان صاحب جنب طاری من گشتم. شب در همین ده بصر
نمود حاجی صاحب موصوف بسیار تواضع و خاطر مدارات "حضرت میان
صاحب" گرد

حاجی صاحب موصوف گاو میش داشت شیری که صبح داد آن را در
خدمت حضرت میان صاحب و همراهیان ایشان تقدیم نمود و شیری که شبی

داد، آنرا خمیر کرد و ماست ساخت، چون صبح دیگر زوجه محترمه حاجی صاحب موصوف این ماست را مالید، از آن همین قدر کره (مکهن) گرفت که قبله" از شیر دو وقت می گرفت. این حقیقت را در خدمت شوهر خود (حاجی صاحب موصوف) ذکر نمود حاجی صاحب موصوف برای امتحان کردن کره (مکهن) را وزن نمود، واقعاً همان قدر بود که قبله" می بود. صاحب خزینه معرفت می گوید که حاجی صاحب موصوف بعدها" نیز این تذکره پیش بنه بارها کرد و باری در شرقپور تشریف برد و احوال حضرت میان صاحب را دید و شادمان گشت و گفت "احوال که در اینجا دیده ام در جائی ندیده ام."

تأثیر نگاه مبارک: بگفتہ صوفی محمد ابراهیم قصوی صاحب، باری حضرت میان صاحب در فیروزپور تشریف برد درخانه ای که قیام فرمود، در آن یک حافظ قرآن که نابینا بود، در خدمت "حضرت میان صاحب" رسید، "حضرت میان صاحب" به این حافظ قرآن فرمود که رکوع از قرآن مجید تلاوت گنید. حافظ صاحب موصوف یک رکوع قرآن کریم تلاوت کرد سپس این حافظ به صاحب خزینه معرفت گفت که: — "من زبان عربی را نمی فهمم، ولی رکوعی که در خدمت حضرت میان صاحب تلاوت نمودم، از برکت حضرت صاحب، معنی هر آیت را فهمیده ام."

محبت با پیر خانه خود: بعد از آن حضرت میان صاحب به "فیروزپور چهاونی" تشریف برد و در خانه حافظ عبدالله قیام کرد. کس گفت که اینجا حافظ قرآن نابینا می باشد که از یمنشیان حضرت امام علی صاحب است. چون حضرت میان صاحب این شنید، در مسجدی که آن حافظ صاحب می بود، تشریف برد و یک ساعت آنها اقامات فرمود سپس فرمود که "مرا عظی نصیب گشت که گویا در خدمت حضرت اعلی صاحب نشسته ام."

این نیز گویا محبت با پیرخانه خود بود که کسی که از ہمنشینان شیخ و مرشد ایشان بود، از صحبت او حظی می یافتد.

فنای اتم (فنای کامل) : باری در لاهور تشریف برد، در دست عصایی داشت. چون در "شاه عالمی" رسید، در جوش آمد و بر عصا فشار داده فرموده که این خانه ها کی فنام شوند؟ سه بار به صدای بلند همین طور فرمود، صاحب خزینه معرفت می گوید که بنده را فکر دامنگیر شد که صاحب خانه ها پریشان گشته چیزی نگویند، شکر است که کسی چیزی نگفت.

فراست صادق : باری در قصور تشریف آورد، از بازار می رفتند، در جایی کوکان چند بازی می کردند. چون دید، فرمود: این کوکان که بازی می کنند، استعدادی در ایشان موجود است که اگر کوشش کرده شود ازین ها حفاظ قرآن کریم، اولیای کرام و عالمان دین بیرون می آیند. افسوس که استعداد ایشان رائیگان می گردد.

سپس بزرگ را از تذكرة الاولیاء یاد فرمود و گفت: "این بزرگ چون کوکان را در بازی معومی دید، همین طور تاسف می خورد".

چون قصور تشریف می آورد، اکثر بوسیله ترین (ثربن) شب می آمد و عقیدتمندان را می فرمود که تردد نان تازه نکنند، درخانه های شما اکثر برای بچگان پاره یا نان می باشد، ہرچه خواه نان نصف باشد، بیارید فرمود: من چون به لاهور می روم، از بازار گلچه ای (نانی) می خرم، و همون برای همه روز برایم کافی می شود چون کم خورده قناعت کرده شود، وقت می گذرد.

باب چهارم

کشف و کرامات

کشف و کرامات از اولیای کرام و صوفیان عظام همواره ظاهر می‌گردد و این علامت و خاصه بزرگی و کرامات ایشان می‌باشد از حضرت میان شیرربانی قلم مسنه کشف و کرامات بیشمار ظهور یافته ما اینجا منشی از خرواری برای تمثیل و نمونه نقل می‌کنیم

از ماری که در دلو بوده آگاه شد: شبی حضرت میان شیرربانی بر سقف مسجد در نماز نفل مشفول بود کسی آمد و خواست که از چاه مسجد آب بگیرد چون او دلو را در چاه انداخت، حضرت میان صاحب از سقف مسجد پائین تشریف آورد و از دور این کس را صنا داد که صبر کنید سپس فرمود که اول از درون مسجد چراغ روشن را بیارید، باز دلو را از چاه بیرون آرید.

شخص دیگر نیز صدای حضرت میان صاحب را شنیده در مسجد وارد گشت و دوینه چراغ روشن را از مسجد بیرون آورد، حضرت میان صاحب فرمود: "اگنون دلو را بیرون آرید" - چون دلو بیرون آورده و بر زمین گذاشتند، حضرت میان صاحب چراغ را نزد دلو گرد چون هر دو کس در نور چراغ در دلونگاه کردند، ترسیدند و پس گشیدند در دلو ماری بود که آنان دیده بودند هر دو نفر این مار را کشتند و سپس از حضرت میان صاحب پرسیدند که حضرت شما بر سقف مسجد بودید، چه طور فهمیدید که در دلو ماری است؟ حضرت صاحب تبسم نموده فرمود: "اورا که می‌پرسیم همون مارا ازین چیزها آگاه می‌سازد" -

کرامت دیگر: باری در مسجد خود که تازه تعمیر گشته بود، حضرت

میان شیرربانی قدس سره تشریف فرما بود به حاجی عبدالرحمن خطاب کرده پرسید که چیزی دیده اید؟ او اینور و آنور نگاه کرده گفت: "نه حضور چیزی ندیده ام." فرمود: "الآن خواهی دید."

وقتی نگذشت که حاجی صاحب موصوف گفت: "حضرت صاحب الان دیدم" فرمود: "چه؟" گفت: "اینکه حضرت امام علی شاه صاحب رحمته اللہ علیہ تشریف آورده اند" - سبحان اللہ

کرامت دیگر: روزی حضرت میان شیرربانی قدس سره فرمود که من به موضع "اثاری" می رفتم که در راه طوفانی آمد باران و برف باریدن آغاز نمود چون طوفان خیلی شدت اختیار کرد درختان از زمین بیرون آمده می افتادند خیال کردم که از خیابان جدا شوم الهام شد که بر خیابان بروید لذا درباران و برف و طوفان برخیابان راه می رفتم حتی که به امن و سلامتی در ده "اثاری" رسیدم مردم بر رسیدن من با امن و سلامتی حیران گشتند زیرا که خیابان پر از درختان می بود که درین طوفان افتاده بودند سبحان اللہ خداوند بندگان خویش را از هر بلا و مصیبت محفوظ و مامون می دارد

نو مولودی خاموش گشت: روایتی است که در شرقپور شریف درخانه ای نومولودی بود که همواره گریدر می کرد پدر و مادرش درمان این کردند ولی افاقه اش نشد چون ناچار گشتند در حضور حضرت میان شیرربانی قدس سره آوردن

نو مولود داشت می گریست حضرت صاحب سوی او نگاه کرده فرمود: "اشکه ای اوئی سانوں ته رون دا ول اج تک نهیں آیا توں ته هر وقت رونا این" - یعنی "ای پسرک تو عجیب هستی که ما تاکنون طرز گریستن نیاموختیم و تومه وقت گریه می کنی" - بس همین فرمود که نومولود خاموش گشتد وقتیکه از روزی تولدش داشت گریه می کرد

احترام گشتنی: حضرت میان شیرربانی قدس سره سوال کمی را رد نمی

فرمود حاجتمندی ازین حال آشگاه شد و برای کمک مالی نزد حضرت میان صاحب آمد و پهون در شرقپور شریف وارد شد، خیال کرد که اگر خودم را پیش میان صاحب "سیدلو" ظاهر خواهم کرد، حتی ایشان توجه زیاد برای سکمکم خواهد کرد.

"لذا چون در حضور حضرت میان شیرربانی قلس سره آمد، گفت که:

حضرت سید هستم و پیش شما آمده ام که کمک مالی من بظرماید." -
حضرت میان صاحب کمک مالی او فرمود و حسب معمول ایشان برای خدا حافظی همراه این حاجت مند تشریف برد. چون از شرقپور شریف بیرون شد، حضرت میان صاحب به او فرمود: "بشنو، همین جاست د" در دل شما خیال "سید" شدن پیدا گردیده بود، لذا عزت و توقیر شما تا همین بحاست، الان پس من گردم".

خیر است یا نیست؟: روایتی بست که باری کسی از حضرت میان شیرربانی قلس سره احوال پرسی کردو گفت: "میان صاحب خیر است؟"
حضرت میان شیرربانی قلس سره فرمود: "برادر جان، اگر اعمال نامه در دست راست داده شد، خیر است ورنه نه!!"

کسر نفس و انکسار: معروف است که با وجود این رعب و جلال عالم کسر نفس و انکسار حضرت میان صاحب این بود که مرگز نمی پستنید که کسی به کفتش مبارکش دست بزنند. اگر کسی در عالم نادانستگی پاپوش مبارک حضرت را برداشته پیش ایشان می گذاشت، حضرت صاحب من فرمود که این کفتش راشما ببرید، من لائق این نیستم که کسی پاپوش را پیش من بگذارد. اگرچه این کار برای بزرگان کردن روا است ولی من نه بزرگ "بستم و نه ولی لذا برای من این طور نگذند".

اگر حضرت میان شیرربانی قلس سره بر رختخواب نشسته می بود و کس برای تعظیم پیش ایشان بر زمین می نشست، حضرت صاحب اورا بر

رختخواب نشستن مجبور من گرد و اگر آن کس از' به برابر حضرت صاحب
نشستن من ترسید' حضرت صاحب همراه او بر زمین من نشست و آن کس
شرمته گشته بر رختخواب من نشست.



باب پنجم

سفردار بقا و حاذشین

چون عمر مبارک حضرت میان شیرربانی شصت و سه سال شد، ضعف پیری ظاهر گشت. باز هم نماز پنجگانه با جماعت ادا می فرمود. بعلت ضعف فقط خطبه جموعه می داد و امامت نماز جموعه می فرمود. هر روز در ضعف جسمانی اضافه می شد حتی که مریض گشت.

عزیزان و عقیدتمندان حضرت میان صاحب ایشان را برای درمانش به سری نگر (کشمیر مقبوضه) برندند. بعد از چهار روز حضرت میان صاحب فرمود که مرا خانه ببرید لذا حضرت میان صاحب را از سری نگر برآ راولپنڈی در لامور اور دند و اینجنا علاج و معالجه جاری شد.

اگرچه در دوز های بیماری معمولات حضرت میان صاحب متفرق گشته بود ولی در عبادت و یادالله هیچ کمی واقع نگردیده بود.

روزی از همین روز ها حضرت میان شیرربانی برادر خود حضرت میان غلام اللہ قلس سره را صنا فرمود و آنوقت حضرت نورالحسن شاه و بابا عبدالله فیروزپوری در خدمت اقلس حضرت میان شیرربانی قلس سره موجود بودند، پیش ایشان حضرت میان صاحب به برادر خرد خویش فرمود: مرد مانیکه بر خانقاہ و درگاه من می آیند، در خدمت ایشان گوتاهی نکنید و اقامت نماز جموعه خود شما کیند. بدانید که صراط مستقیم فقط در اتباع سنت نبوی (صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم) است.

سپس در خانه خود تشریف برد. با همه عزیزان و افراد خانواده شفت و محبت ورزید وسلام گفت و خدا حافظی نمود و فرمود: "اکنون من خواهم که در "ذوہیران والا" (نام گورستانی) که در آن حضرت صاحب مدفن

گشت) بروم!"

گویا این اظهار به اشاره غیبی بود که "من رفتنی ام بسوی خداوند بزرگ و بعد از من عقیدتمندان و مریدانم را حضرت غلام اللہ قدس سرہ در طی منازل عرفان و سلوک کمک و یاری و رینمائی خواهد کرد و وی جانشین و خلیفه مجاز من خواهد بود"

بالآخر روز دو شنبه ۳ ربیع الاول در سال ۱۳۳۷ھ بمعطابق ۲۰ - اوت ۱۹۵۸م در حین تلاوت سوره اخلاص بعد از نماز عشاء' قریب یازده و نیم شب به عمر مبارک شصت و پنج سالگی این آفتاب روحانی از عالم فانی به عالم جاودانی رحلت فرمود و واصل بعثت گشت. "اَنَّ اللَّهَ وَ اَنَاٰ لِيْ رَاجِعُوْنَ" -

خدا رحمت کند این عاشقان پاک طینت را

قطعه تاریخ رحلت حضرت میان شیرربانی قدس سرہ

چو مولانا قبله شرقپوری

ز دنیا شد روان با کام و آرام

"وصال شیر حق شیر محمد" (۱۳۳۷ھ) شده سال و صالح ای نکونام روز دیگر بوقت ساعت شش شام جنازه حضرت میان شیر محمد شیرربانی قدس سرہ در گورستان "دوهران والا" رسید و حضرت صاحبزاده مظہر قیوم رحمته اللہ علیہ امامت نماز جنازه ایشان کرد و در حضور هزاران سو گوار و عقیدتمند حضرت شیرربانی را در گورستان "دوهران والا" دفن کردند و مزار مقدس و بابرکت و پر انوار ایشان بین جا مرجع الخلاق است.

جانشین حضرت میان شیرربانی شرقپوری: حضرت میان شیرربانی قدس سرہ برادر خرد ایشان حضرت میان غلام اللہ قدس سرہ گشت که ملقب به "حضرت ثانی لاثانی" شد.

خدهات دین

فصل اول در تعمیر مساجد

حضرت میان شیر محمد شیرربانی شرقپوری قدم سره برای اتباع سنت و فروع دین اسلام خدمات بیمثال و یگانه ای انجام دادو در تعمیر نمودن مساجد برای عقیدتمندانش نمونه قابل تقلید و پیروی باقی گذاشت و نه فقط مساجد نو تعمیر فرمود بلکه مساجد قدیم را از سر نو تعمیر و مرمت فرمود و بمقابل سنت انبیا علیهم الصلوٰۃ والسلام در کارهای تعمیراتی و مرمتی مساجد بنفس نفس شرکت فرمود و مثل مزدوران کارمن کرد و با این عمل مبارکش ذوق و شوق خاصه به عقیدتمندان و مریدان خود عطا کرده است که نظیر آن یافته نمی شود مساجد یکه در روزگار حضرت میان شیرربانی تعمیر گشت قرار زیر اند:-

(۱) در " محله بنی پوره شرقپور شریف" مسجدی بودکه در روزگار حضرت میان صاحب از آن فقط نشانی بود و آن نیز غیر محفوظ بود حضرت میان صاحب این مسجد را با خطوط قدیم از سر نو تعمیر فرمود و در نزد این خانه ای برای پیش امام نیز تعمیر ساخت و نزد آن چاهی کند و غسلخانه و طهارت خانه های نیز بنا فرمود

بگفته صاحب خزینه معرفت: "حضرت میان صاحب قدم سره در تعمیر این مسجد خود سهیم بود و ستون های مسجد را با همکاری مردمان به کار گذاشت. اینجا شجری را از زمین گندیدند و حضرت میان صاحب در چاله که از گندن این شجر پیدا شده بود تشریف برد و خاک از آنجا برداشت و آنرا بتوئید و فرمود که: "در این نیز بوی انگلیسی من آید".

(۲) مسجدی دیگر در گورستان ژوهران واله" تعمیر فرمود که ازین قبرستان در جنوب مغرب شرقپور واقع است. این مسجد دارای دو اطاق و یک چاه و غسلخانه ها و حجره و برآمده می باشد. برای آباد کردن این مسجد درویش را آنجا گذاشت که بگفته صاحب خزینه معرفت تاکنون آنجا موجود است و این درویش در راه مسجد علی و بوته کاشته است و خدمتی خوب خانه خدا می کند در وقت تعمیر مسجد معلوم می شد که گویا نزد قبر مبارک خود این مسجد ساخته است و بعده" همین طور شد که پس از وفات همین جامدفون گشت. روز های که این مسجد را تعمیر می فرمود عقیدتمندان و مریدان می گفتند که حضرت این جای است غیر آباد و ویران و هیچ کس اینجا نمی آید' لذا اینقدر مسجد عالیشان تعمیر کردن چه فائده دارد فرمود : "هیچ چون مردی خداوند خواهد مرد' این مسجد آباد خواهد شد".-

چون حضرت میان شیرربانی قلس سره رحلت بحق فرمود و در همین گورستان نزد مسجد معو استراحت گشت از همون روز نماز پنجگانه در این مسجد شروع شد و تاکنون ارادتمندان حضرت میان صاحب شب و روز درین مسجد در عبادت و ریاضت مشغول باشند.

(۳) مسجدی دیگر در محله شیرربانی در شرقپور تعمیر نمود که در طرز خاص و عمله تعمیر شده بود.

(۴) مسجدی دیگر در پیرخانه خود (در قریه کوئله شریف) تعمیر کرده بود این مسجد دارای سه اطاق و ایوانی وسیع می باشد.

(۵) مسجدی نیز در چاه خود تعمیر فرموده بود.

(۶) مسجدی دیگر در کوچه "نهعل پوره" که جانب راست شرقپور شریف می باشد ساخته بود و این مسجدی کوچک همراه تاچاهی

(۷) مسجدی سنت در میانه شهر شرقپور شریف که در روزگار حضرت

میان شیرربانی قدم سره همین بزرگترین مسجد بود درین مسجد حضرت مولانا غلام رسول رحمته الله علیه که جد بزرگوار حضرت میان صاحب بود، امامت من کرد چون در عهد حضرت میان صاحب مردم از راه های دور و دراز در شرقپور شریف من آمدند لذا روز جمعه این مسجد برای مردم تنگ من شد حضرت میان صاحب عزم وسیع نمودن این مسجد کرد و خانه های چند که نزد این مسجد بود را در (۱۳۲۰ه) شامل مسجد فرمود و صحن و مسجد را کشاده نمود و برخی حجره و اطاقهای تازه نیز تعمیر فرمود که تاکنون در همین صورت موجود اند و در آن روزگار مبلغ (۲۵) هزار روپیه بر تعمیر حجره و غسلخانه و جای وضو و طهارت خانه های تازه و اضافی مصرف شد.

(۸) علاوه ازین در مکان شریف روضه مبارک حضرت امام علی صاحب رحمته الله علیه را مرمت نمود باری در مکان شریف تشریف آورد و دید که قبه روضه مبارک حضرت امام علی صاحب در زلزله آسیب دیده است برای مرمت این قبه عزم فرمود و حافظ محمد عبدالله صاحب مقیم چهاوی فیروزپور و کرم الدین نجار صاحب مقیم شرقپور شریف و فتح محمد خان مقیم گورو هرسهای و نفری دیگر را برای مرمت این روضه مبارک فرستاد و تقریباً هزار و سه صد روپیه برای این مرمت مصرف شد.

(۹) نشستگاهی در مکان شریف ساختند که آن دو اطاق و ایوان خوب داشت و نشستگاهی دیگر ساختن من خواستند که تکمیل آن نشد مساجدی که حضرت میان شیرربانی قدم سره در روزگار خود تعمیر فرمود در آن ها هیچ سامان و لوازم تعمیراتی ساخته نست انگلیسی ها و یا در کارخانه انگلیسی ها را هرگز استعمال نکرد و اگر کسی این طور چیزی را می آورد حضرت صاحب ناراحت من گشت و آن را قبول نمی فرمود و ازین معلوم من شود که مقام تقوی حضرت میان صاحب چقدر بلند بود؟ حضرت میان شیرربانی سلسه تعمیر مساجد را که شروع فرموده بود

تاکنون جاری و ساری است و آن صورت تعرییکی اختیار نموده است. مریدان و عقیلتمدان حضرت میان صاحب[ؒ] همواره برای سهم گرفتن در این کار خیر مشتاق و بیتاب می باشند. بعد از وصال مبارک حضرت میان صاحب[ؒ] خلیفه مجاز ایشان حضرت ثانی لاثانی میان غلام اللہ قدس سرہ نیز در تعمیر مساجد سهم من گرفت و سجاده نشین فعلی آستانه عالیه نقشبندیه مجددیه شرقپور شریف حضرت صاحبزاده میان جمیل احمد شرقپوری مدظلہ المالی این روش عالی مرشدان بلند مرتبه خودرا تاکنون زنده و تابنده دارد و مساجد تعمیر می فرماید و فریضه تبلیغ و نشر اسلام انجام می دهد. مساجدیکه در شهر های گونا گون پاکستان به نام نامی حضرت میان شیر محمد شیرربانی قدس سرہ منسوب شده تعمیر گشته است و شب و روز برای احیا و نشر اسلام و شریعت مطهره در آنها کلمه حق بلند می گردد، قرار زیر است:

- ۱ - جامع مسجد شیرربانی[ؒ] محله شیرربانی[ؒ] شرقپور شریف.
- ۲ - جامع مسجد مدینه شیرربانی[ؒ] عقب سول ہسپتال[ؒ] شرقپور شریف.
- ۳ - جامع مسجد شیرربانی[ؒ] اکبر روڈ[ؒ] وسن پورہ[ؒ] لاہور.
- ۴ - جامع مسجد شیرربانی[ؒ] سنگھ پورہ[ؒ] نزد باغبانپورہ[ؒ] لاہور.
- ۵ - جامع مسجد قادریہ شیرربانی[ؒ] ۱۰ - ایکڑ سکیم[ؒ] نیو مرنگ[ؒ] سمن آباد[ؒ] لاہور.
- ۶ - جامع مسجد شیرربانی[ؒ] سانده کلان[ؒ] لاہور.
- ۷ - جامع مسجد غوثیہ شیرربانی[ؒ] چونگی امر سنه[ؒ] لاہور.
- ۸ - جامع مسجد شیرربانی[ؒ] شاهدرہ ناؤن[ؒ] لاہور.
- ۹ - جامع مسجد شیرربانی[ؒ] گیلزی نزد کھر زیانوالہ[ؒ] ضلع فیصل آباد.
- ۱۰ - جامع مسجد شیرربانی[ؒ] محله منیر آباد[ؒ] گلزار کالونی[ؒ] فیصل آباد.
- ۱۱ - جامع مسجد شیرربانی[ؒ] سلطان ناؤن[ؒ] فیصل آباد.
- ۱۲ - جامع مسجد شیرربانی[ؒ] چک نمبر ۲۲۰[ؒ] ضلع وہاڑی.

- ۱۳ - جامع مسجد شیربانی، فیصل آباد
- ۱۴ - جامع مسجد شیربانی، نزد چونگی نمبر ۹ خانیوال روڈ، ملتان۔
- ۱۵ - جامع مسجد شیربانی، گھرہ کوڑا، تحصیل ٹانک، ضلع ٹیرہ اسماعیل خان۔
- ۱۶ - جامع مسجد شیربانی، پھالیہ، ضلع گجرات۔
- ۱۷ - جامع مسجد شیربانی، چک نزد لیاقت پور، ضلع رحیم یار خان۔
- ۱۸ - جامع مسجد شیربانی، چک، تحصیل یزمان، نزد اڈہ تیرہ هزاری۔
- ۱۹ - جامع مسجد شیربانی، گیانیں گجران، ضلع کوٹلی، آزاد کشمیر۔
- ۲۰ - جامع مسجد شیربانی، سیکھر ایف، اسلام آباد
- ۲۱ - جامع مسجد شیربانی، الامین پلازہ، صدر، راولپنڈی۔
- ۲۲ - جامع مسجد شیربانی، عقب گورا قبرستان، نزد ملٹری بسیتال (سی ایم ایچ)، راولپنڈی۔
- ۲۳ - جامع مسجد شیربانی، قلعہ سوجان سنگھ، نزد خانقاہ ڈو گران، ضلع شیخوپورہ۔
- ۲۴ - جامع مسجد شیربانی، جہبز، ضلع شیخوپورہ۔
- ۲۵ - جامع مسجد شیربانی، محلہ رسول پور، شیخوپورہ۔
- ۲۶ - جامع مسجد شیربانی، اڈہ شیر پاک، صادق آباد
- ۲۷ - جامع مسجد شیربانی، سمندری، ضلع فیصل آباد

فصل دو: در نشر و اشاعت دین و معارف اسلامی به صورت کتب

حضرت میان شیرربانی قلس سره عارف کامل بودکه بازبان و گفتار مبارک خود دل مردم را مسخرمی نمود علاوه از خطابات جمعته المبارک که در مسجد خود می فرمود، همواره در سفر و حضر تبلیغ و ارشاد به طالبان حق می فرمود علاوه ازین کتب نادره معارف اسلامی و سلسله عالیه نقشبندیه مجلد یه وغیره چاپ و نشر می کرد و میان ارادتمندان و طالبان حق و مردم خوانده مجانی تقسیم می فرمود از آنها چند تا قرار زیر اند:-

۱- مرآة المحققین : ملفوظات حاجی الحرمین الشریفین :
 تالیف حضرت ابوالبرکات امام علی شاه نقشبندی مکان شریف (م ۱۲۸۲ھ)
 بزیان فارسی در احوال و تعلیمات و گفتار حضرت سید شاه حسین نقشبندی (م ۱۲۲۲ھ) که مرشد حضرت امام علی شاه نقشبندی رحمته اللہ علیہ بود
 بخواهش حضرت میان شیرربانی قلس سره مولوی غلام رسول نقشبندی این کتاب را بزیان اردو ترجمه کرد و حضرت میان صاحب این را طبع فرمود
 سرورق این کتاب (دو صفحه در آغاز) بدست خود خطاطی فرمود و این نمونه عالی خوشنویس حضرت میان صاحب می باشد در آغاز این کتاب نظمی از مترجم می بودکه از ترتیب حروف های آغاز هر بیت نامی گرامی حضرت میان صاحب: "مولوی شیر محمد" بر می آید این کتاب در دو حصه می باشد حصه اول- حالات حضرت شاه حسین المعروف "بهورے والا" و در حصه دوم "کلمات متبرکه" زیر عنوان "مرآة المحققین" درج است از جانب مطبع کریمی لاہور بااهتمام میر امیر بخش چاپ گردیده است.

۲- "منهاج السلوک" ترجمه اردو "ذخیرة الملوك" : "ذخیرة

"الملوک" بزبان فارسی نگارش "امیر کبیر سید علی همدانی" می باشد "مولوی غلام قادر" از مردم "کوت بهوانی" که از متولیین "حضرت الله بخش تونسوی رحمته الله عليه" بود، بعیشیت مدرس در شرقپور شریف آمد و ارادت و عقیدت خاصه به حضرت میان صاحب قلس سره العزیز پیدا کرد او این کتاب را بفرمائش حضرت میان صاحب بزبان اردو ترجمه نمود و این در سال (۱۳۲۲ھ) چاپ گردید این کتاب دارای (۳۱۲) صفحات بود و در آغاز این مترجم دو منظومه شامل گردکه اگر نخستین حرف هربیت بیرون آورده شود، از آن "مولوی شیر محمد شرقپوری" جمع می شود مترجم این کارگرده زیرا که حضرت میان صاحب قلس سره نهی پستید که اسم ایشان در کتاب منکور گردد

بیکفته محمد امین شرقپوری صاحب "تذکره اولیای نقشبند" این کتاب را مولوی غلام رسول نقشبندی رحمته الله عليه بفرمان حضرت میان صاحب قلس سره العزیز بزبان اردو ترجمه گرد و در ضخامت قریب (۲۲۵) صفحات طبع گردید و در آغازش دو نظم از مترجم است که از ترتیب حرف آغاز هربیتی نام گرامی حضرت میان شیرربانی برمن آید

۳ - "مجالس المحسنین" ترجمه اردو "حكایات الصالحین":
کتاب اصل بزبان عربی بود و ترجمه اردوی آن مشتمل بر ۴۰۰ صفحات است که حضرت میان شیرربانی قلس سره العزیز آن را طبع فرمود و خوشنویسی این کتاب "سید نورالحسن شاه صاحب" گرده بود

۴ - "ربع مع مطالب": تالیف "حضرت بابا امیر الدین نقشبندی قدس سره" (مرشد پاک حضرت میان صاحب) این را نیز حضرت میان صاحب طبع فرمود

۵ - "چشمہ فیض معرفت": رساله ای سنت مختصر بزبان پنجابی از حضرت خواجہ بابا امیر الدین نقشبندی که در مناقب مرشد خود "حضرت

خواجہ امام علی شاہ قلمن سرہ" سروده است.

۶ - تفسیر مرادیه: فقط حصہ آخرین این همراه "ربع مطالب" طبع شده بود و درین علاوه از "تفسیر قرآن" ارشادات حضرت میان شیرربانی قلمن سرہ نیز درج است.

علاوه ازین حضرت میان شیرربانی قلمن سرہ کتاب های تفسیر و حدیث و فقه و اوراد و وظایف وغیره من خرید و میان طالبان حق و اراد تمندان خویش مجانی تقسیم می فرمود و این عمل خاصه اولیای گرام سلسه عالیه نقشبندیه مجددیه من باشد که ایشان همواره بوسیله تعریر و تقریر یعنی در هر دو میدان خدمات عالیه دین اسلام انجام می دهند. این کار از خواجہ بزرگ ما حضرت خواجہ بهاء الدین نقشبند قلمن سرہ شروع شد و تاکنون در همه عالم در خانقاہ های این سلسه پاک جاری و ساری است.

در شرقپور شریف شمع علم دین و عرفان و تصوف که از دست مبارک حضرت شیرربانی قلمن سرہ روشن گردیده بود آن را خلفاء باصفا و باکمال ایشان همواره سر بلند می گردد اند.

سجاده نشین استانه عالیه نقشبندیه مجددیه شرقپور شریف حضرت صاحبزاده میان جمیل احمد شرقپوری، مدخله العالی در نشر و اشاعت و چاپ کتاب عزم عالی و بلند دارد ایشان همواره کتب عرفانی و معارف اسلامی چاپ و نشر می کنند و در طالبان حق و اراد تمندان سلسه نقشبندیه و تشنگان علم و دانش مجانی تقسیم می فرمایند. تاکنون کتابهای زیر از "مکتبه نور اسلام" شرقپور شریف (که بنیاد آن حضرت میان جمیل احمد صاحب مدخله العالی گذاشته است) چاپ و نشر گردیده است:

۱ - خزینه معرفت (اردو): تصنیف صوفی محمد ابراهیم نقشبندی. در احوال و آثار و فرمودات حضرت میان شیرربانی قلمن سرہ چند بار چاپ شده است.

- ۱ - حضرت مجدد اور ان کے ناقدین اردو : تصنیف حضرت مولانا ابوالحسن زید فاروقی رحمته اللہ علیہ در احوال و مقامات حضرت مجدد الف ثانی شیخ احمد فاروقی سرہنگی قدس سرہ و رد ناقدین ایشان بار اول در هند چاپ شدہ بود
- ۲ - المنتسبات من المكتوبات (عربی) : مرتبہ حسین حلمی البیشیق بن سعید استانبولی - بار اول در استانبول از سوی مکتبہ اشیق چاپ گردیده بود
- ۳ - سرهنگ شریف : (تلخیص از کتابچہ المنتسبات من المكتوبات)
- ۴ - تتمہ معراج النبوة (فارسی) : حضرت ملا معین الدین واعظ کاشفی هروی
- ۵ - دی نقشبندیز (بزبان انگلیسی) : مرتبہ سردار علی احمد خان
- ۶ - مرادۃ المحققین (اردو) : تالیف قطب عالم حضرت سید امام علی شاه نقشبندی مکان شریفی رحمته اللہ علیہ مترجم اردو : مولوی غلام رسول
- ۷ - نعمتیہ قصیدہ : حضرت امام اعظم ابو حنیفہ رحمته اللہ علیہ
- ۸ - تائید اهل سنت : (متن و ترجمہ اردوی رسالہ رد روافض تصنیف حضرت مجدد الف ثانی شیخ احمد فاروقی سرہنگی قدس سرہ) مترجم و مصحح (متن فارسی) : دکتر غلام مصطفی خان نقشبندی سندي - مدظلہ
- ۹ - مختصر حالات حضرت شیرربانی و حضرت ثانی لاثانی میان غلام اللہ شرقپوری (اردو) : تصنیف حضرت صاحبزادہ میان جمیل احمد شرقپوری - مدظلہ العالی
- ۱۰ - فضائل حضرت عائشہ صدیقہ رضی اللہ تعالیٰ عنہا (اردو) : از مولانا منصب علی شرقپوری
- ۱۱ - منیته المصلى :
- ۱۲ - نظام مصطفیٰ اور ہماری زندگی : نظام مصطفیٰ و زندگانی ما

بزیان اردو)۔

۱۳ - **ماہنامہ نور اسلام (اردو)** : مجلہ ماہیانہ کے بیادگار حضرت ثانی لاثانی شہباز مکانی میاں غلام اللہ شرقپوری قدس سرہ سجادہ نشین شیرربانی میاں شیر محمد شرقپوری قدس سرہ از سی و هشت سال از آستان عالیہ شرقپور شریف جاری است و مدیر این حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی است۔

۱۴ - **ماہنامہ نور اسلام شرقپور شریف کا شیرربانی (اردو)** نمبر : مرتبہ حضرت صاحب میاں جمیل احمد شرقپوری مدظلہ العالی (شمارہ مخصوص مجلہ نور اسلام در احوال و مقامات حضرت شیرربانی قدس سرہ)

۱۵ - **ماہنامہ نور اسلام کا امام اعظم نمبر (اردو)** : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری مدظلہ العالی (شمارہ مخصوص مجلہ نور اسلام در احوال و مناقب حضرت امام اعظم ابو حنیفہ رحمتہ اللہ علیہ)

۱۶ - **ماہنامہ نور اسلام کا اولیائی نقشبند نبراء (اردو)** : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری مدظلہ العالی (شمارہ مخصوص مجلہ نور اسلام در احوال و آثار و مناقب اولیائی نقشبند)

۱۷ - **ماہنامہ نور اسلام کا مجدد الف ثانی (اردو) نمبر** : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری مدظلہ العالی (شمارہ مخصوص مجلہ نور اسلام در احوال و مناقب حضرت مجدد الف ثانی قدس سرہ)۔

۱۸ - **فضائل حضرت سیدنا صدیق اکبر رضی اللہ تعالیٰ عنہ (اردو)** : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری مدظلہ العالی۔

۱۹ - **مختصر حالات امام ربانی مجدد الف ثانی رحمتہ اللہ علیہ (اردو)** : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری مدظلہ العالی۔

۲۰ - **ارشادات مجدد (اردو)** : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد

شرقيور مدظلہ العالی۔

- ۲۲ - مسلک مجید (اردو - پشتو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔
- ۲۳ - مقالات یوم مجید (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔
- ۲۴ - الجنۃ الشوقيہ الی الحضرة المجددیہ : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔
- ۲۵ - مدنی تاجدار کا تحفہ نماز (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔
- ۲۶ - مناسک حج (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔
- ۲۷ - صدائیح حق (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔
- ۲۸ - تنویر حرم (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔
- ۲۹ - آسان (اردو - عربی گرائمر) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔
- ۳۰ - لمحہ فکریہ (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔
- ۳۱ - شجرہ شریف (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔
- ۳۲ - تذکرہ احوال و مقامات زبدۃ الاولیا شیربانی حضرت شیر محمد شرقپوری قدس سرہ (فارسی: تالیف محمد نظیر رانجھا۔

باب هفتم

آیات دلگذار که حضرت شیرزبانی

قدس سرہ هی خواند

حضرت میان شیرزبانی قدس سرہ شاعر نبود ولی در عالم وجود بزرگ
مبارک ایشان آیاتی جاری می شد که هر حرفی از آنها در عشق سرور کائنات
غیر موجودات خاتم النبیین حضرت محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وآلہ
وسلم لبریزمی بوده است. حضرت میان صاحب را خیلی آیات عرفانی و نعمت
رسول مقبول علیه الصلوٰۃ والسلام از دیوان های سخنوران عارف زبان فارسی و
اردو و پنجابی از بربود که وقت ارشاد و تبلیغ و موقع گونا گون می خواند.
ما برای نمونه مشتی از خروواری اینجا نقل می کنیم:-

همه انبیا در پناه تواند

مقیم در بارگاه تواند

تو مهر منیری همه اختر اند

تو سلطان ملکی همه چاکر اند

❖

خدایا بده شوق ذات رسول

بلرد محمد مرا کن قبول

شب و روز در عشق حضرت بدار

همه عمر در وصل احمد گزار

چو بلبل برآن گل فدایم کنی

چو پروانه جلوه نمایم کنی

حیاتی مهاتی همه وقت ما

عطای کن وصال محمد مرا

———— ♦ ———

حمد محمودی که در جمله صور

شد بانوار محمد جلوه گلر

زانکه از نورش محمد شد عیان

گشت از نور محمد دو جهان

———— ♦ ———

حسن یوسف دم عیسیٰ یلبیضا داری

آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری

دل و جانم فدایت یا محمد

سر من خاکپایت یا محمد

———— ♦ ———

عرش است کمین پایه ز ایوان محمد

جبرئیل امین خادم دربان محمد

آن ذات خداوندی که مغضی و نهان بود

پیدا و نهان گشته بچشمان محمد

———— ♦ ———

منم خاک سرکوی محمد

اسیر حلقه موی محمد

نماز عشق هردم من گزارم

به پیش قبله روی محمد

سجود عشق بازان است هردم

بمحراب دو ابروی محمد

اکر چشم بهر روی است ماش
 بود روی دلم سوی محمد
 جهان در خیال لیله القدر
 حسن فربند گیسوی محمد
 صد کتاب و صد ورق در نارگن
 جان و دل را جانب دلدار کن

ملفوظات گرامی

حضرت میاں شیربانی قدس سرہ در محبت الهی و عشق مصطفیٰ صلی اللہ علیه وآلہ وسلم کاملاً مستفرق بود کلماتی که از زبان مبارک ایشان جاری می شد، آنها همواره آئینه دار جنبات و احساسات ایشان می بود حرفی از زبان مبارک بیرون نمی آورد که بر آن خودشان عمل نمی فرمود هر چه بدیگران می فرمود، خودشان برآن کاملاً عمل می کرد ما لینجا برای تبرک از ملفوظات گرامی ایشان چند تائق می کنیم:-

فرمود : - دنیا مثل دریاست و آخرت گفاره آن و تقوی کشتن آن باشد و بدون تقوی این دریا را عبور کردن معال است. خوبی اسلام این است که مسلمان حرفهای "لایعنی" (بی فائده) را ترک کند. همه خلقت دارای سه صفات

باشد:

- ۱ - فرشتگان عقل دارند مگر خواهش و غضب ندارند.
- ۲ - حیوان خواهش و غضب دارند ولی از عقل عاری اند.
- ۳ - انسان خواهش و غضب و عقل هر سه دارد اگر انسان خواهش و غضب را تابع عقل کند، درجه بلند از فرشتگان می یابد. ولی چون عقل را تابع خواهش و غضب می کند، از حیوان بدتر می شود انسان طلبگار لذت حیوانی و خواهش نفسانی باشد ولی بقدر احتیاج مثل نمک در طعام و تاوقتیکه شما کارهای بهتر نکنید، زندگی را بهتر خیال نکنید.

فرمود : -

بیبغت آن باشدکه فکر آخرت نداشته باشد
و مبتلای لذت‌های دنیا من باشد دولتی راجمع کنید که
همراه شما (در آخرت) برود زیرا که مال و متعاع دنیا با بدن
در دنیا خواهد ماند (یعنی فنا خواهد گردد). چون مرده
را ببینید، مرگ خود را یاد کنید (یعنی فکر آخرت
کنید) و شریز آن است که شرکند و مغلسان را افیت
نمد و هر که از طعام سیر من شود او همواره گرسنه من
ماند.

فرمود : -

هر که بامال تونگر شود، او همیشه درویش
باشد و هر که از مردم حاجت من طلبد، او معروف من ماند
و هر که در کار خود از خداوند یاری نمی خواهد او
خوار من گردد.

فرمود : -

کس که در جوانی قدر و عظمت فرمان
خداوند نمی داند، خداوند در پیری اش، اورا خوار من سازد و
کسی که فقط روزی را باصدق دل در خدمت (خداوند)
صرف من کند، برکت آن روز به همه خلق من رسید.
بس چه حال کسی خواهد بود که همه عمر در خدمت
(خداوند) من گزارد.

فرمود : -

شش نفر بسبب شش چیز درجهنم خواهند
رسید:

۱ - مردمان عرب بسبب تعصّب و عنادوت.

۲ - مالداران ده به علمت تکبر.

۳ - تاجر بسبب فریب کاری.

۴ - مردم عامه به علمت جهر و نادانی.

د - حاکم به وجه ظلم و ستم

۱ - عالم به وجه حسد' زیرا که حسد نیکی هارا من سوزاند و همچو کس مددگار حاسد نمی باشد.

فرمود : - باید که پاکی ظاهر' موافق پاکی باطن باشد

یعنی چون دست را شوید' دل را از حب دنیا نیز پاک کند و چون استنجا کنندو از نجاست ظاهری پاک شگردد' همون وقت از دوستی غیر نجات یابند.

فرمود : - حماقت این است که اعتقاد دارد و عمل نکند

و کفر پنهان این باشد که خیال کند که این سخن اینطور نیست بلکه برچیزی دیگر خواهد بود

فرمود : - حضرت علی مرتضی اسد اللہ الفائز مطلوب

کل مطالب مظہر العجائب و الغرائب کرم اللہ وجهه چنان سخنان حکمت آموز بیان فرمود که تا آنجا فهم کسی رسائی نیافته است

فرمود : - کسی که در حرفش نرمی باشد' در قلبش

ماده محبت حتما" خواهد بود و کسی که قدر نفس خود را فهمیده است او هرگز ملاک نشگردد

فرمود : - از هر که خواهی طلب کن ولی یقین این

داشته باش که تو در قید او (خداوند) هستی' تو هر کرا خواهی داد' امیر و حاکم او خواهی شد تو از هر که خواهی استفنا و بس نیازی کن' انجام کار مثل او خواهی شد

فرمود : - هر کس که بنیاد ایمانش بر این چهار اصول

باشد' ایمانش معکم و قوی شود و او مسلمان خالص شده

مقرب خاص بارگاه صمدانی و درگاه یزدانی می شود این
چهار اصول قرار زیر است :-

- (۱) تصدیق دل
- (۲) اقرار زبان
- (۳) عمل بدن
- (۴) مطابقت سنت

کس که از این چهار اصول معروف باشد او کافر است و کس که با زبان اقرار کند و بادل تصدیق نکند او منافق است و حال منافق از کافر بدتر باشد کس که بادل تصدیق کند و با زبان نیز اقرار کند مگر عمل نکند او فاسق است و فاسق براندازه قصورش در دوزخ خواهد رفت کم از کم ساعتی و تا حد زیاد مفتاد سال. کس که بادل تصدیق کند و بازبان اقرار کند و عمل نیز کند مگر در مطابقت سنت تفاف کند او بدعتی است و بدعتیان سکهای جهنم خواهند بود.

فرمود : - در حیث شریف آمده است که مسلمانان بعد از اجتناب کردن از کفر باید چشم و گوش و شکم و شرمگاه و دست و پا و دل و زبان را از گناههای صغیره و کبیره باز دارند.

فرمود : - خصلتی بد را ترک نمودن از عبادت صد ساله افضل تر باشد.

فرمود : - اگر در ما سه خصلت باشد خداوند مارا در حساب و کتاب آسانی خواهد داد و در جنت داخل خواهد کرد و آن چهار خصلت به قرار زیر است :-

(۱) کس که شمارا نمد شما او را بعید او را معروف نگذارد.

(۱) کس که برشما ظلم کند، شما او را درگذر و
معاف نکنید.

(۲) عزیزی و رشته داری که باشما قطع تعلق کند، شما با
او ملاقات داشته باشید و قطع تعلق با او نکنید.

فرمود : - ارشاد حضور نبی کریم صلی اللہ علیہ وآلہ
وسلم است که بزوی روزگاری خواهد آمد که فقط از
اسلام و قرآن نام باقی خواهد ماند و مساجد را مسلمانان آباد
خواهند کرد مگر در حقیقت اینها از هدایت خالی
خواهند بود و عالمان آن روزگار شریر ترین افراد روی زمین
خواهند بود و آغاز فتنه و فساد از سوی ایشان خواهد شد و
اختتام این بر ایشان خواهد شد.

فرمود : - در حدیث حضور صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم
آمده است که بزوی روزگاری خواهد آمد که مردم در
دامهای شکم گرفتار خواهند شد بزرگی ایشان در دنیا از
لعاڑ دولت خواهد بود و قبله ایشان زنان خواهند بود و
مطلوب ایشان سیم و زر خواهد بود و این کسان در بندگان
خداوند از همه بزرگ ترین (خیال کرده) خواهند بود، در
حالیکه نزد خداوند وقعتی نخواهند داشت و این
روزگاری خواهد بود که مردم دین را تمام خواهند کرد و
اجرای بدمعتها خواهند کرد کس که در این وقت بر
سنت من عمل خواهد کرد' او بیچاره تنها خواهد ماند و
کس که پیروی بدمعتها خواهد کرد' مصاحبتش از
پنجاه شصت زیاد تر خواهد داشت. صحابه کرام رضوان
الله علیهم اجمعین عرض نمودند: "یار رسول الله صلی اللہ

علیه وآلہ وسلم' آیا بعد از ماکسی از ما افضل تر خواهد بود". حضور صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود: "بلی" صحابه کرام التماس کردند که یار رسول اللہ این مرد مان چطور زندگی خواهند کرد آنحضرت فرمود: طوری که نمک در آب حل می شود، اینطور دلهاي اليشان حل خواهند شد و زندگانی اليشان طوری خواهد بود که جامه های سرکه در سرکه بسرمی برند". سپس صحابه کرام عرض نمودند: "یار رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آن مرد مان حفاظت دین چطور خواهند کرد؟". آنحضرت فرمود: "طوری که شما حفاظت آتشدان من کنید که اگر بگنارید، آن سرد من شود و اگر آن را دست زنید، بسو زاند".

فرمود :- حضرت ابن عمر رضی اللہ عنہما فرمود که اگر شما نماز خواننده مثل کمان خمدار شوید و روزه دارنده مانند تیر لاغر شوید، خداوند عملهای شمارا قبول نخواهد کرد تا از حرام باز نه مانید.

فرمود :- نیز حضرت ابن عباس رضی اللہ تعالیٰ عنہم فرمود که خداوند نماز او هر گز قبول نمی کنند که در شکمش حرام باشد.

فرمود :- نیز حضرت سهل تستری فرمود که بننه در عمق ایمان نمی رسد تا وقتی که چهار خود را پیدا نشود:-

(۱) اداییگی فرضها (باسن)

(۲) خوردن حلال (با پرهیز)

(۳) ظاهر و باطن را از منکرات معفو نظر داشتن

(۲) بر این امور تا مرگ قائم بودند.

فرمود : -

آمده است که هر که چهل روز مال مشبه
بغورد' دلش سیاه من گردد و بگفته حضرت عبدالله بن
مبارک رحمه اللہ کے درمی مشبه را باز گردانیدن نزد
من از یک تا شصت میلیون درم خیرات کردن بهتر است'
فرمود که چون کسی از مال مشبه لقمه ای بغورد' ازین
قلبیش اینقدر مثل چرم خراب من شود که بعالت اصلی
هر گز برنامی گردد

واردات قلبی

پاره ای از واردات قلبی حضرت شیرربانی میان شیر محمد شرقپوری قدس سره را ملاحظه بفرمائید:-

باری فرمودکه چون راه من روم از پائین تا بالا در بد نم حرکتی پیدا من گردد که همه بد نم را مثل دل من بینم و از هر موی بد نم اسم ذات الهی ظاهر من شود

باری فرمودکه چون در کود کی در قصور من آمدم در بازار و کوچه های این برکتی من دیدم و اکنون که اینجا من آیم تا ران نحوست من بینم ولی سه کس از این نحوست محفوظ اند: یکی عبدالحق شاه صاحب ساکن کوت مردان و دومی حافظ دولت خان ساکن نواحی کوت و نامی دیگر اورد روزی فرمودکه ما برای قضای حاجت در بیابان رفتیم و بعد از فراغت چون نگاه کردیم بسبب عبرت نوعی از حال بر ما طاری گشت

باری فرمود که من در "مسجد شاهی لامور" رفتم آنجا طوری دیدم که خانه کعبه پیش من آمده است و من طواف آن من کنم

روزی حجام موهای (سر) حضرت میان شیرربانی قدس سره را من تراشید حضرت صاحب فرمودکه چون حجام استره را بر بد نم من زد اینطور معلوم من گشت که بر دلم استره من زند

حضرت نورالحسن شاه نقشبندی رحمته الله عليه (که از خلفای عظام حضرت میان شیرربانی قدس سره است) من فرمودکه باری حضرت شیرربانی قدس سره ارشاد فرمودکه از رسول اکرم صلی الله عليه وآلہ وسلم چهار کس را طریقه ای که عنایت گشته است بکسی دیگر نصیب نگردیده

است و آن چهار نفر این اند:-

- (۱) نجاستین حضرت اویس قرنی رضی اللہ تعالیٰ عنہ
- (۲) دوم حضرت خواجه بایزید بسطامی رحمتہ اللہ علیہ
- (۳) سوم حضرت خواجه ابوالحسن خرقانی رحمتہ اللہ علیہ
- (۴) چهارم برنام چهارم خاموش گشت' زیرا کہ حضرت صاحب
 (حضرت شیرربانی قلس سره) ستایش خود شنیدن نمی پستنید لذا اسم خود را
 اینجا برزبان مبارک نہ آورد

باب دهم

خلفای عظام

حضرت میان شیر ربانی قدس سرہ مدتو زیاد ترویج و پیشرفت سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه در آستانه عالیه شرقپور شریف فرمود و هزاران طالب حق را تلقین و ارشاد کرده از فیوض و برکات این سلسله پاک مستفید فرمود. حضرات کرام زیر را در سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه خرقه خلافت عطا فرموده و بعد از ایشان خدمات عالی برای دین اسلام و سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه انجام دادند:-

- ۱ - **حضرت ثانی لاثانی شهباز لام حکانی میان غلام اللہ شرقپوری**
: حضرت میان شیر ربانی قدس سرہ ایشان را در آخر زندگانی مبارک خود جانشین خویش منتخب فرمود و ایشان از سال وصال حضرت میان شیر ربانی قدس سرہ (۱۳۲۷ھ) تا سال (۱۳۷۷ھ) (سال وصال خود) برمیستد سجادگی و ارشاد آستانه عالیه نقشبندیه مجددیه شرقپور جلوه افروز بوده است.
- ۲ - **مخزن کرم حضرت سید محمد اسماعیل شاه رحمته اللہ علیہ**
: ساکن موضع کرمون والا تحصیل فیروزپور ضلع شیعوپورم
- ۳ - **پیکر نور حضرت سید نورالحسن شاه رحمته اللہ علیہ**
: ساکن موضع کیلیانوالہ
- ۴ - **فاضل اجل حضرت صاحبزاده حافظ محمد عمر رحمته اللہ علیہ**
: ساکن بیریں شریف، ضلع سرگودها.
- ۵ - **منظور انوار حضرت صاحبزاده مظہر قیوم رحمته اللہ علیہ**
: ساکن مکان شریف، نزد گورDas پور (ہند)
- ۶ - **اب رحمت حضرت میان رحمت علی رحمته اللہ علیہ**:

ساكن موضع ڪوئنڌ والا شريف، نزد ڪامنه ڪاچها،
 ۷۔ الحاج حافظ حضرت سيد محمد ابراهيم شاه بخاري رحمته
 اللہ علیہ: ساکن موضع سهول شريف، نزد ريلوي اسٹیشن ڪالا خطائی،

تمت بالغیر

فقير محمد نذير رانجها

غفر ذنبه و ستر عیوبه

॥ فی الحجۃ ۱۳۱۲ھ بمعطابق ۲۲ - ۱۹۹۳ میلادی

هاده

۱ - **تنکره اولیای نقشبند المعرفه**: سیرت پاک شیربانی عاشق
یزدانی مجدد عصر، قطب زمانه حضرت میان شیر محمد صاحب شرقپوری
مؤلف محمد امین شرقپوری ناشر: عبدالوحید خان، ذوالحجہ ۱۴۰۸ هـ / ژوئیه

- ۱۹۸۸

۲ - **تنکره حضرت سید میر جان کابلی نقشبندی مجلدی**: از
شادروان میان اخلاقی احمد ناشر: میان احمد بدر اخلاق، لاہور، ۱۹۸۸

۳ - **خرزینه معرفت**: از صوفی محمد ابراهیم قصوری نقشبندی مجلدی
ناشر: فیصل آباد، بزم جمیل غلامان شیربانی، ۱۹۸۸

۴ - **شجره طیبه مع معمولات نقشبندیه**: مرتبه حضرت صاحبزاده
میان جمیل احمد شرقپوری مدظلله ناشر: شرقپور، مکتبه نوراسلام

۵ - **مختصر حالات حضرت شیربانی و حضرت ثانی لاثانی**
میان غلام الله شرقپوری: مرتبه حضرت صاحبزاده میان جمیل احمد
شرقپوری مدظلله ناشر: شرقپور، مکتبه نوراسلام

۶ - **منبع انوار در شرقپور شریف**: مختصر حالات و واقعات حضرت
میان شیر محمد شرقپور رحمته الله علیه: مرتبه: حضرت صاحبزاده میان

جلیل احمد شرقپور ناشر: فیصل آباد، بزم جمیل، ۱۹۸۸

۷ - **نوراسلام، شیربانی نمبر**: مدیر اعلیٰ حضرت صاحبزاده میان جمیل
احمد شرقپوری مدظلله ناشر: شرقپور، مکتبه نوراسلام



شیرربانی نامه

سروده: دکتر محمد حسین تشنگی (رها)

۲۲ جمادی الثانی ۱۴۱۵ ه مطابق ۲۹ نویمبر ۱۹۹۳ء

در وصف حضرت مولانا شیرربانی شرقپوری رحمۃ اللہ علیہ درگاہ او
شرقپور شریف ضلع شنخوپورہ (پاکستان)

زندہ: الاولیا ربانی
کوهر درج عشق ربانی
پند واندر ز او نوای دل
ضوفشان است شیر ربانی
نور اسلام آستانہ او
روشنی بخش عالی و دانی
شد به شیر محمد او معروف
شهر احمد مجدد ثانی
شرقپور از وجود او روشن
حافظا آیه هائی قرآنی
آبادان شرقپور شریف
از وجود امام روحانی
جادب قلب و جان هر مومن
چشمہ آب پاک فیضانی
هر کے خواهد طریقت اسلام
نور اسلام و نور رحمانی
عارفانہ کلام او بر خوان
تا شود جان تو گلستانی

از جمیل احمد آمد این دفتر
 رهمنا بهر هر مسلمانی
 لفظ زیبای معنو بنگر
 صادق القول شیخ نورانی
 شد جمیل احمد جانشین پدر
 بانی بارگاه ربانی
 صاحب ذوق و فکر والد خود
 نظم و نثر و کلام عرفانی
 ترجمه کرده دفتر عرفان
 این محمد نذیر انسانی
 رانجها شد ملقب و اکنون
 خوش چین جهان روحانی
 نهشتمی لقب بود چون گل
 بابیان و کلام ایمانی
 فارسی شد زبان به هر معرف
 در وفا عهد خوب پیمانی
 هرچه خواهی بجو ازین دفتر
 حال و احوال شیر ربانی
 نور اسلام اکنون بود از شرق
 شرقپور است چرا به "پنهانی"
 دیه ام بارگاه و درگه او
 مرززع و سبزه بهارانی
 میزان بود آن جمیل احمد
 کرده جان مرابه مهمانی
 در کتب خانه اش بود موجود
 گنج عرفان و گنج سلطانی

هر که خواهد طریق حق جوید
 شد جمیل احمد بعر جوشانی
 آمد
 ثانی لاثانی جانشین
 او غلام الله خدا دانی
 شو روانه به شرقپور شریف
 بشنو الفاظ شاه لاثانی
 آن حکم محمد موسی
 شد حکیم دل و جهانبانی
 رهنمای همه جوانان شد
 دعاخوانی ببین مطبش
 من اسیر کلام موسی ۲۱
 حافظش باد خدای رباني
 این رها راه حق همی جوید
 رباني اولیا زبدة



Marfat.com



Marfat.com



Marfat.com